کتاب روزنامه سفر رکن الدوله فرمانفرمای خراسان و سیستان
مؤلف برخی در سال ۱۲۹۹ بخط محمدعلی منشی
مترجم
موضوع
شماره قفسه ۳۶۳۱

هو الله تعالی

روزنامه سفر نواب سلطان اشرف امجد والا شاهزاده رکن الدوله و بعضی [illegible] مملکت خراسان دام [illegible]

از [illegible] دهم شهر رجب ۱۲۹۹ مطابق توشقان ئیل [illegible] دهم شهر شعبان المعظم [illegible] ۹۹

مقربین رکاب

کارگزاران [illegible] خراسان

[illegible]

[illegible]

روز شنبه دوم شهر رجب المرجب شش ساعت بغروب مانده که تخمینا بیست سعد بود از دولت سلطنت
در ضمان تأییدات الهی از ارض اقدس مشهد مقدس حرکت و عزم ... بعد از زیارت خاص از حضرت امام ثامن
ضامن علیه و علی آبائه آلاف التحیه و السلام نموده ... رفته که مشرف و مجاورت
کرده از دروازه پایین خیابان خارج گردیده بطرف مقصد روانه شده بمنزل اول که چمن نگهان
است رفته تو خطاب راه بطرف مشرق مایل بشمال امتداد دارد مسافت دو فرسخ است در راه
کنف رود که از رودهای کثیر المنفعه خراسان و طبیعتا ... است ... ای راه تا بخراسان است دارد
در سمت چپ راه است در اول راه نزدیک یک فرسخ راه فاصله دارد و در کنار چمن نگهان خط
قاطع مسکن ... تمام این مسافت راه از میان املاک مزروع و معمور و باغات در طرف ... است
املاکی که در سمت راست واقع است اول مصنع است که نزدیک راه واقع از بناهای مرحوم شاه سلیمان صفوی
انار الله برهانه است بنای عالی و مکانی های مشرق ... دارد که ... و بجا است در مقابل
آن باغ مصنع است که موقوفه ... متعلق به مرحوم حاجی میرزا حسین وزیر سابق ... است از ...
کهنه است دویم قلعه کوسنگ موقوفه ... است که میرزا مصطفی خان نایب التولیه ... در جای دیگر
امور خارجه عمارت از احداثات مشار الیه نزدیک راه است سیم قریه ... ملک ورثه مرحوم امام جمعه
مستوفی ... قریب نیم فرسخ از راه دور است چهارم مزرعه ... قریه ... در ...
مرحوم حاجی عبد الحسین ... راه است پنجم ... حاجی عبد ... وقف ... اطفال نزدیک راه است

نهم

ششم قریه فیض آباد که قدری وقف و قدری ملک حاجی هاشم خان پسر مرحوم حاجی مصطفی قلی خان ... الملک
و غیره است که در سر راه نزدیک است و باغات طرف سمت چپ راه ... مزرعه ... محمود
ملک جناب میرزا محمد صادق طولیه ... است که رعیت ندارد ... از ... شده زراعت میکنند
نزدیک راه است دویم قریه مهرآباد که قدری وقف و قدری ملک ورثه مرحوم حاجی میرزا محمد
... است نیز نزدیک راه است سیم قریه ... آباد ملک رعایا و نزدیک راه است
چهارم قریه ابراهیم آباد ملک حاجی عبد الاحد تاجر کاشانی نزدیک راه است پنجم کریم آباد ملک میرزا محمد
زاده جناب میرزا محمد صادق ... و سلطان العلماء نیز نزدیک راه است
ششم قاسم آباد ملک جناب حاجی میرزا ابراهیم ... نزدیک راه است ... از قطع
مسافت ... از رودخانه کشف رود عبور ... دارد چمن نگهان ... الورود باران ...
... رحمت الهی و ... سفر ... خاطر ... کشف رود
چمن نگهان ... آب و علف و در کنار رودخانه کشف رود واقع ... تا کال ...

ثم ... سیم شهر رجب ... در چمن نگهان ... که عقب مانده بود
... الملک ... ها ... لازمه ... شده
... در این ... و میرزا اسمعیل ... حاجی

و میرزا معصوم خان کارگزار خارجه و میرزا نصرالله خان سرتیپ گراقانه و حاجی ابوالقاسم خان بیگلربیگی و جمعی از
اهل آستانه مبارکه دولت روسیه و الله رابت عیت موکب همایون و کرمانشاه صدر اعظم آنجا و وقت عصر
باز باران رحمت نازل گردید
یوم دوشنبه چهارم شهر رجب امروز نیز در اقامت که به مسطور اطراف اتفاق افتاد و زمان معین الدوله
و نیز الدوله وسایر اجزای ایالت و دولت آستانه مبارکه پس از انجام امور مرخص شده و وقت ظهر
و عصر نواب مستطاب والا [illegible] و تجهیز سواران در ... جمعی خبر دادند که بامداد رسیدن بالا
آمده و در جلو سراپرده صف بسته بودند آمده سوار شدند در کمال آراستگی از حضور گذشتند همگی با مراتب
حضور فرستند و در این روز مقرر شد که ترتیب سرباز احوال آنها که از ترتیب یافته گان هستند و از فوج
اردوی والا بسلامت بار منزل عرض سواره روز نهم بسته طرح منظم و منصوب دارد و میرزا محمد علی خان
و دسته سرکرده از ترتیب یافته گان آن جمله است گفته شد ابلاغ سواره و دیگر در حضور از سواره و جلوداره
و حاضر نیز در صف ریسمان قراول جنبه اول حرکت آمده و تا آخر وقت همه روزه همراه بس قراولان از موکب
حرکت منظم و متفرق گردند و نیز نگارنده مقرر گردید و روزنامه این سفر را بطور اجمال بنویسد
روز سه شنبه پنجم شهر رجب ساعت بغروب مانده موکب همایون از محل کرمانشاهان حرکت بمنزل
قریه قورتقان فاصله دو ساعت معین گردید خط این راه در اوائل حرکت تقریبا ربع فرسخ از ما بین شرق و شمال
بعد از آن الی یک فرسخ بطرف شرق پس از آن تقریبا یک فرسخ و ربع بطرف شرق جنوبی و بعد از آن

دو فرسخ بطرف جنوب امتداد دارد و مسافت سه فرسخ است تقریبا این سواره قریه طی کرده و بواسطه عبور
عبور کالسکه و ترتیب در راه دیگر این منزل دارد که راه وسیع آن در ... یک راه در فرسخ و نیم و سواره دیگر
در فرسخ است در دهنه تنگه رود در سمت راست بجهت آن نیم فرسخ الی ربع فرسخ دیگر راه فاصله دارد
و در این سواره زمین خشکی تنگی بر آب اطراف سواره ده میشود و از اراضی بارز مسطحه آنکه است و در
سمت راست آنها قریه سنگ در سمت دست راست جمعی سواران همراه بسنگ راست و در مقبره جنبش گنبد
هم داخلش در داخل و خارج این قریه است که بعضی از آن مخروبه است عقب ابنیه این است
که مقبره عاشق و معشوق است و اهالی قریه آنجا مقبره را محترم میدانند
دوم قریه که نیست در آستانه مبارکه دیگر جمعی سواران همراه است که ده بزرگ معموری است و در داخل و خارج
قلعه خانه زمینی بسیار دارد و بعضی ویرانست نصف اهالی بهارلو در این قریه و در قریه سنگ و در سواران دیگر
و نصف دیگر در قریه کرنه فاصله دو ساعت که یک فرسخ از این ده قریه دوریست سکونت دارند و با
سمت جنوب منحصر به دو قلعه از تنگه مخروبه است که بواسطه آب ظاهر و از آن خراب شده است اهالی این ده با
کلاه نمد لباس اهل ایرانست که عمامه کوچک در سر دارند و بالاپوش از پشم بر تن میپوشند و قبا بالای سر ایشان
و در زیر جامه بلند پیراهن شال و در روی آن کمر بسته اند موکب همایون از سواره بعد از وقت عصر مغرب
مانده وارد قریه قورتقان گردید در نوبه منزل نواب مستطاب والا بعضی از سوارها قراولها را در میان راه
محل دیدند که در آب جوی بسیار زیاد گرفته بودند و حمل برزعت مخصوص ... از افغانستان [illegible]

مورخین و آیناللّه کرده پس از ورود موکب مسعود بادره آلتمر چون حکم سهام الملک که ایران اردو ایستاده

نفر پیغمبر در درب سرالجه قریه نمود در این منزل چاپار رسید که عزیمت طهران مقارن غروب بادره

رسانید خاطر مبارک باشتغال نوشتجات طهران مشغول شد پس از فراغت چراغهای اردو بعضی جوانان

از جمله سیگار بار بخشند که محض سوار اتباعی و جمعی بخوانند و دوستی بعضی چاپار چراغ در دست داده [illegible]

از چاپارها رد شده تا ترتیب رجعت نمود قوزقان خالصه در این سال و در عوض حب و جمعی سوار جمعی

علیمردان خان برحسب مقرر سوار قریه آلتی مقرر است و اکنون ره و نهر جدا که آن نهر درب سرالله

و در چهار رتبه نشستم موکب مسعود ساعت از روز گذشته از موقف حرکت نمود منزل آب قریه شالاته خالصه دیوان

الیات خراسان بود آنکه فرسخ مابین شرق و شمال و پس از دو فرسخ دیگر بطرف شرق و غرب از سمت ترنج

بطرف شرق مابین جنوب استرادی را ورود سافت چهار فرسخ است ره و جاده کشف ره و نقاشی فرسخ

دیگر در دست راست راه است و در شالاته باراه تقاطع میکند و کنار رود در سر آن راه بیزار و گذشت این است

از جهت قبیله متعلق بر بهات اطراف در راه دیدن مشهود که از اصل بارو و قلعه آلتای است یک فرسخ تا یموتی

نزد اول این راه های سوار است پس از ده شالاته زمین است و بلند است بعضی کنار که ها سبلها در خطوط

و اطراف است که ترکان خرابه ها را کهنه می گویند چنین استماع شد که در ایام قدرت و ناامنی ترکمانان ایل تکه

از آنجا که اینها را کم برقت در آن است خود قرار سر اندر باز در مقر این رکاب سرکرده شده و این خود علاوه

از دولت خسته ولایت سابق خراسان و ماموری پس از ترکمانان در باختن تا از آنجا بعضی در این محل دیده اند

در این سال و التفات رضا سرکرده سوار احمدی با سوار جمعی خود که در قلعه قراوه ساکن شده و خود مقرب این کار شده

باستقبال موکب والا آمد هرچه در آنجمله با تمامی در کار راه نمود مقرر شد در قریه قراوه مراجعت که هر کار راه نمایی

نمود و سوار را اصلاح نموده قوای آن روز رکاب والا ملحق نموده و هر که او درگذر از غرب قریه قراوه قره دمات

سمت راست آنجا قلعه ترکمان آلتا کلا بنا شده که در آن اطراف ره و جاده و خالی از سکنه است و نیم فرسخ

از راه فاصله دارد و در نیم قریه قراوه خالصه و الیکا اعلا و حالا موجب سوار احمدی توپ بیک کلا اسم قریه قره

از جمله مرقومه اولاد مرو قریه ها در این طرف نمود و خانه توپ بیک کلا است چهار نیم قریه لنگر که دو غنی آنجا هم

میگویند ملک اولاد در حکم محمود ولی خان قاجار در آنجا ره و جاده نیم فرسخ بیلاق فاصله دارد مقبره و در این قریه است

یک گنبد خشتی دارد و در آن مقبره است میگویند مقبره بزرگی است با تاریخ زمان ترکمانها تا آن میگویند اهالی دهات

اطراف با آن مقبره اعتقادی تمام است و مخصوصاً در گاه و در که ها اتفاق قرب همه دهات در سه

باین مقبره جمع شده و گوسفند قربانی که آتش می زنند و بفقرا می دهند پس از آن که و ما را در این مقبره بکرد آنجا

و معتقدند که ... کارها را با هر خار نا حوزه تخلیه شده و قلعه خرابه شالاته متصل راه خراب و خالی از سکنه است

و در قریم قلعه شالاته همان است از قتل ترکمان خراب شده قلعه را در نقطه دیگر ساخته و آباد

نموده اند و جاده درس و دار که اند نشستم قلعه قمچ آلتای جوب تو میگویند ملک علیمردان خان بر حسب دولت قرار

ره و جاده نیم فرسخ بر راه مسافت دارد آلتی و دهات سمت جنوب منحصر بقریه شالاته صد بر خالصه و این قریه است

در درگاه ره و جاده و متصل راه است موکب جلالت از ظهر مسافت در حوالات قریه شالاته از ره و جاده غور

فرسخ دارد منزل گنبد این منزل نیز خوش آب و هوا و آبادی است که هر قدر از آنهای گذشته جزئی
کم نشسته قریه آبادیست در کمال آبادی و در عرض مواجب و جمعی سواره رعیتی جمعی علیمردان خان
معروف است

یوم پنجشنبه ششم موکب والا صبح از دولتخانه آنجا بعد از دو ساعت از دسته گذشته حرکت نموده به منزل
رباط ماهی دشت که خط راه است ... تا ... فرسخ به طرف مشرق مایل بجنوب و مغرب ... تا منزل ...
مشرق مایل شمال است و مسافت چهار فرسخ است و این سکا بواسطه سهولت عبور کالسکه ...
را سکا دیگر از کنار رودخانه است که در قلعه خواجه فتحی در مقصد به این سکا منتهی و هم فرسخ نزدیکتر است
رودخانه کشف رود فاصله هم فرسخ دیگر تفاوت در سمت جنوب کنار آن جنگلی که ... است و در این سکا
در جهت قبله متصل به قریه ... و مزرعه چمن زرد و ... میشود ... این مسافت از ... شهرهای ...
منتهی میشود که فرسخ اول ... رنگ ... سعتری است در ... آن ... عبور ...
هم فرسخ ... است ... کله جنبه و فرسخ دیگر ... است ... مسافت تا منزلگاه
و سه فرسخ تمام است زمین ... و سبع ... و وسعته زراعت است که در هر طرف آن کوه ... عرض ...
تقریبا ربع فرسخ است ... نهارگاه این منزل خارج قلعه خواجه فتحی در ... طرف ...
و جنگل ... است ... قریه ... ملک ... مرحوم امام جمعه است که هم فرسخ
از سکا ... سمت چپ ... مزرعه چمن زرد ملک ... برادر ... است

دو فرسخ

در آن طرف رودخانه در ... قریه ... ساباط آسیائی ... به امر مرحوم ... الدوله که ... علاءالدوله ... احداث
کرده بود سیم چهار ... است که ... از ... منزل ... احداث ... چهارم ... قلعه خواجه فتحی ... است
و در بالای ... جنگلی ... ساخته شده است و ...
بالا ... قلعه ... مرحوم حسنعلی خان نظام الدوله و بانی قلعه ...
که ... مشهد مقدس ... در ...
... از ... که ... مرحوم ... قهرمان
... قلعه ... از ... منزل ... مستطاب والا ...
... است ... ولکن ...
... نظام ... است ...
... الله ... جنگل ... عرض ...
... و در ... الماس ... قطع ...
... که در ... رباط ... اطراف رودخانه در ... کاه ...
... که ... رباط ... رودخانه ...
و بنای ... آجر و گچ ساخته شده سقف ... خراب شده ... بالای ...
... آجر ... رباط ... ایوان بزرگ ... در وسط

سه ضلع و ارتفاع با دست کلماتی بخط کوفی از گچ بر بالای آن تمام در تمام علی از آنها ریخته است و چیزی از آن

خوانده نمی‌شود حتی وقت تاریخ ... تاریخ بنای آن را معلوم ... و ... گفتگو ... چیزی از تاریخ ...

که معلوم کرده و در میان عوام معروف است که این رباط را همشیره گوهرشاد آغا بیگم حرم شاهرخ شاه ابن امیر تیمور

گورکان که مسمات ... بوده است ساخته و به اسم او منسوب است صدق و کذب آن را صرف ... عالم

دانا است لیکن از وضع بنا و خط کوفی آن ... معلوم می‌شود که از چهار صد سال بیشتر است ساخته شده

چون رباط های ... از منزل عرض ... تا خسرس است ... مستطاب ... آثار ... و ... است ...

و معزم ... ساختن قلعه در ... که از ... شده

روز جمعه ششم   از این منزل راه در ... است گرفته از ... از ... خسرس گرفته از ... خسرس ...

دارد اگر چه راه ... از ... ترا ... راه ... است لیکن ... فرسخ ... است ...

و ... است ... در ... کاه ... سالار ... را ...

اختیار کرده ... گذشته حرکت نمودم منزل شب باغ ... است که در میان عوام ...

به ... است خط راه ... منزل سمت مشرق ... فرسخ است رودخانه

کشف رود ... درست ... یک راه ... جنگلی ... است در ... است

از میان ... قبای ... و علف آن نیز بسیار است ... سمت ...

رودخانه و جنگل ... فرسخ منزل ... طرف ... که ... در ...

رودخانه   در ... کوه ... است و ... از این راه ... است ... علیم ...

... که این اوقات ... امور ... است ... الله ... و نیز

... از ترکمان ... از ترکمانان ... در ... تا ... آخر ... در این روز

در این راه ... بر ... که ... قطره ... گلوله تفنگ

گشته ... دو ... منزل ... جنگل ... باغ ... مرتب شده ... منزل ...

در ... باغ ... قره ... گذشته ... کوه ... که ... حضور

... ذات مستطاب ... الله امروز در منزل ... که ... تا ... طهران ... کرده

... غروب ... فرستاده ... این منزل از منزل ...

و علف راه ... خشک ... وقت ... بعضی از ... کاه ... علف ...

آتش ... جمعی علف بسیار ... کم کم ... آتش بطرف ... آمد

... دقیقه ... آتش ... ما ... خاصه ... خطر ...

مستطاب ... الله ... هم ... است ... که ... آتش ... آن

آتش را خاموش کنند ... آتش ... که علف ...

... مواضعه ... در این منزل ... از ... طهران ... شده ...

عبور از یک شعبه آب رودخانه ... غرق ... از این منزل ... نفر

عمارات از منار و غیره با اسباب کار معین روانه گردید که در سفر قندهار که بیابان است از رودخانه گذشت در مکان
معروف به پل گرزی بیک قدری دیدند که مقرر کار کتاب توانسته از آن عبور نمود لیکن منزل هم جاوزان کرز یسار
داشت لیکن بحمد الله اوقاتی علی این کار نموده پل شکسته مرحوم حاجی محمد رضا میرزا است که در زمان سلطنت خود
احداث نموده و بسبب تسلط ترکمان خراب شده با وجود مستطاب والا که در صرف ... ترکمان ...
در قطعات ... با قلعه را که در اردوی خس که خانه ... و قلعه آنجا در سه ماه توقف ... آباد کرده آنجا
در زراعت بسیاری از آنجا بنظر رسید

روز پنجشنبه نهم موکب والا بسمت از رود گذشته حرکت و بمنزل شب اردو رسید که در نیم فرسخی آنجا
دو فرسخ است ... بطرف مشرق جنوب پس از آن منزل بطرف جنوب حقیقی ...
مسافت سه فرسخ است ... ره بفاصله کم در سمت چپ ... در فرسخ در پل گرزی را تقاطع
کرده منزل در سمت ... سخت است در این سال وسعت ... کرده است
... راه ... طرف ... منازل ... علف ... زراعت چشم داری است
نهارگاه امروز ... است که شرف ... از رودخانه است که پل گرزی ... قریه
و قلعه آباد و خراب در این سال از خوف ترکمان ... معطلات در سمت راست ... بفاصله از کوه موسوم
تخت سلطان است عوام میگویند سلطان محمود غزنوی گاهی ... آنجا است
بالای آن کوه ... افراخته ... موسوم تخت سلطان شده امروز ذات مستطاب والا در اول حرکت

ارجو

از جلو قلعه باغ تاج ... سواره است ... از راه عبور نمایند ترکمانان که قلعه ... دلگرم ... داشت
در جلو قلعه صف بسته اظهار رشادت و جرأت نمودند ... ذات مستطاب والا دعا ... کرده
و ذات مستطاب والا حکم بتوقف لشکر داده و دقیقه ... ترکمانان اظهار ... نمودند ...
مخاطب کرده سفارشات لازمه فرمودند ... ترکمانان از قرار تفصیل ذیل ... غنیمت ...
امیدوار و دلگرم ... که ... ترکمانان ... پس از آن
علیمردان خان ... سرتیپ ... تیموری ... رجعت ... در غیاب موکب والا تمام
سیصد نفر سوار ... در آنجا ... توقف شد و در نهایت ... مشغول ... سرحد داری کرده پس
از مسافت ... در خیمه نهارگاه فرود آمده ... صرف نهار ... توقف ... که تمام ...
و بنه و اسباب و احمال و اثقال از پل گذشته ولی پل ... بسته شده است که عرض رودخانه
بیشتر از سه ذرع نیست لیکن عمق آب ... ذرع ... شاخه های ... روی رودخانه
... شاخه های ... علف ... آن ... شاخه ... از آن ریخته
و خاک ... عبور ... شکسته ... دو طرف پل ... رودخانه ... ذرع ... است
که اگر شاخه های ... عبور از آن هم مشکل است در زمان قدرت ... ترکمانان
... تخت ... گذشته پس از ...
و مراجعت از پل گذشته از اخراب ... در هر حال ... گذرگاهی خطرناک است

و اکثر اردو با احتیاط تمام لاحق گردید از آن راه که نمونه صراط بود گذشتند و بجز آنکه قاطر توپ و تیپ
مردان افتاد آسیبی از شخص گذشته آنطرف رود استادند و نواب مستطاب والا بعد از همه آب گذشته
سواره با معدودی از جلو داران و خواص از پای عبور نمودند که آتش اردوی دولت علیه را در این معبر بسیار
مشقت عظیم رو داد بسیار سهل بر گذشتند بالجمله موکب جلال بحمد الله بحر عبور کرد و در منزل قهوه در نوع
اردو نواب مستطاب والا بگذر از سربازان فوج قراگوزلو را دیدند که علف های صحرا را آتش زده بود
معترضه آتش افروختن برای زنبورک ها رفته بازه آنقدر هم در زیر آب بیم تاریکی بود تا زمانی که نعمه لیل منزل
عقرب زنار بود [illegible] ۲
یکشنبه دهم [illegible] از دو گذشته موکب والا حرکت نمود منزل اتک تره بر است جلگه ای که طرف
شرق تمام دارد و مسافت در فرسخ است راه و منزل رود و سمت راست از بنت کوه های فارگی
در فوری از راه در دست میگیرد و در سوره متصل راه میشود و کنار شیخ زار و جلگه ای است و این راه تمام
از دره ورنه بهار بعمود میگیرد و دو طرف آن کوه است و تمام مسافت تپه های فراخ عرض بلا کوه های
اطراف جلگه درخت پسته است و بعضی درخت ها بار زیاد داشت گردها خورده در صحرا پسته آن
ممنوع لکن بواسطه ماشین اجزای غیر از ترکمانها هنگام تاخت و تاز قتری از ان بهره نمی توانست برد و همه جا راه
علف زار و مستعد زراعت و دیم کاری و چشمه دارد است نهار گاه امروز بواسطه قرب مسافت منزل گاه بود
ده دقیقه بآخر در این راه مطلقا نیست جز یک دفعه شش بیجی که در انتهای قراول خانه آن جنبه دو چهار چشم

۲ مرتبه چهار دقیقه از روز توقف نمود آمدن اسم ... شش دفعه ... ترقه ... دوچه ...

حسن خان نظام الدوله احداث کرده است که خانوار ها نیکی و چهار تا تمام تا آن خراب شده است
برج که از این مسافت قطع شده است از کوه که آنچه رنگ خاک و سنگ آن سفید است بانجه بعضی
باتی در نهایت قرار داد خانه در این نقطه خوشی ساخته اند که دو برج و چند اطاق کوچک دارد و دو دروازه
با قلعه در ذرع تا خندق که عمق آب در ذرع و عرض سه ذرع است برای برج و خانه ها بحرامت دو دام تفنگ
و بیست نفر تفنگچی در آنجا منظم قرار داده است و در دو طرف بالای کوه نیز سه برج محکم ساخته و یکی هم
جهت سلا را انقطاع کرده بر دو طرف که ده تیر لوله است میگویند سنگ و رجال از زمان مرحوم تارسال است
نواب مستطاب والا بجلال التقطیعه زوایا احسن الله مرحوم نظام الدوله حسین خان چون قلعه را له جنسیه دارد رفته خطیطه
منعقد و از این الاد مهمه قراول خانه آن برجها را برقت ساخته بر کوه چند نقطه است و تعمیرات نقراول نیز دلخواه
و متعلقه از آن تعمیر گشته و بیست نفر تفنگچی قراول آنجا مسلط به تفصیل بعید انعام دلخواه بالجمله موکب والا که پس از
طی مسافت وقت ظهر بار در نزول نمود و قدری اندوه که نفر ترکمان ها در پیش قراولان اردو در سلا
دیده و گرفته بودند که خود را به آنها رسانیده است که ترکمانها بسیار دسته ام اسلحه بعد در حضور حبس استنطاق نمودند معلوم داشتند
که از چه طایفه اند و چه مقصود داشتند آنها هم از تحقیق آنها ظاهر شد که ما از ترکمانها نیستیم که ساکن کنار
تکمیل حبس جهت ولی سلطه ستم و دام مکان نرجه جمع آوری نمک رنگ و سایر اغتنام متعرضه انها
نمی شد تحفظ از حبس آزاد ننمایند تا صدق و کذب قول آنها معلوم شود و مقتضای آن معمول افتد در این منزل سرد کوه های
اطراف آن برف نشسته و شکر و در الکه چه رو بوقات حیات که سرد است باره نکنه و در فاصل تفنگ از ایشان جمعی از

نقل کرد از آب می‌سوزند که آتش را خواموش کند مرتب آن را گرفته با رو... و انبار رفته آتش را فرو نشاندند زیر
مرکب معلوم نشد که چیت نوزده ذرع است از طرف جنوب در کنار کنف رود قسمتی از روی خالی از سنگ دارد
که قدری از آن خراب شده در ایالت نواب غفرانمآب جلال الدوله الکه تعمیر اساختند بعد ده هر سال
در ایام طوفان آب خود نشست و با سطح زیری ... آب انجا که اساس متفرق شد و خراب شد

روز دوشنبه یازدهم — مو کب جلال سه ساعت از روز گذشته حرکت نمود منزل شب حاکی خالدان است

خط راه همه جا طرف شمال مایل بمشرق تقریبا ... فرسخ بطرف مشرق تا منزل همراه وارد و مسافت
سه فرسخ است رودخانه کنف هم در این راه نیز در سمت راست از راه خارج شد از سنگ کوه قدری
در راست می‌گذرد و تقریبا در فرسخ در سر کمره نقطه از کنار کوه است با راه تقاطع کرده از سمت چپ راه
تا نیم فرسخ بس از آن تمام راه را تقاطع کرده تا ماهی خاتون که نیز نیم فرسخ است از سمت راست جاری است
و در انجا دو جوی دیگر هم می‌شود و کاریز هم جا نیز از دو کشت... است و این راه اقلا مسافت کمی
در نزدیکی او در راهای زیر علف دارد تا منزل ... دره وسیع همراه او وارد و نهار گاه امروز نیز کاریزی است که
جمعی بسیار مستعد برای آبادی در زراعت است در کاهان ... قریب ... و بعضی از ... از آبادی‌های آن
ساکن شده‌اند ... است ... در وسط ... دارد و بنا نهری جاری کرده ... خوب ... نیم فرسخ طول
و ... فرسخ عرض آن است ... و ... آباد ... است ... و در انجا کرده ... آنچه بنظر آمد
قریب ... هزار خروار از آن زراعت ... خالصه شده ... زراعت گندم ... کاشتی ... کرده ... نیز

... که نیز

آنچه از ... عبور ... بلند مغازه‌های جلو آمد از اطراف ... داشت ... خانه‌های ... و مکرم ... کرده
دار قرار ... بنا بنزل ... و ... برای در ... نماز ... امروز ... (?)

انجام نهار — بازدید — عمارت

سهام الملک محمد حسین خان میراخور مقرر شد ... بنا ... که در سنه ... صفحه گشیده
منتظر موکب ... عقب ... مخصوص ... تمام ... سلطنت ... و از ... بس از وقت ... از ... تا
در کوه ... از طرف ... ساعت ... داده ... خاتون ... فاصله ... ذرع
در سمت راست طرف رودخانه کنف ... در فضای وسیع ... سنگ ... یک ... ذرع ... ذرع
سقف که سقف‌های آن اغلب خراب شده باقی ... است ... آب ... سنگ ... در کمال
استحکام ساخته ... که شصت ذرع و ... آن است سقف آن خراب ... بوده است ... خاتون در
مقابل کنف رود و ... رود ... در کمال استحکام ... است ... چشمه بزرگ ... چشمه کوچک
دارد ... آن شصت ذرع و عرض آن ... ذرع و ارتفاع ... از سطح رودخانه ... ذرع است که در آن
... ذرع در ارتفاع در آب نهان است و ... ذرع آن ... چشمه‌ها ... وسط ... ذرع چشمه‌های
بزرگ ... ذرع ... ذرع است چشمه‌های کوچک که در وسط ... است ... یک ذرع ... تمام
در قسم آخر ... یک قسمت ... که عرض و طول ... قطر دارد ... کمال وقت ... استحکام آن
... است ... و خراب است ... چشمه وسط ... خراب شده است که عبور ممکن نیست ... دیوار

دو رقم ... که
عرض و طول ... که
قطر دارد

و منار و دو برج هم هست چاه هم دارد و اگر ایلات [illegible] حکم [illegible] حفظ [illegible] از [illegible] ایشان [illegible]

علام خوانین نام [illegible] کوه [illegible] حرم [illegible] شاه تهماسب [illegible] دیگر [illegible] خواهر [illegible] خبر و [illegible] کوه [illegible]

و حرم سلطان [illegible] کوه [illegible] در [illegible] ساخته و [illegible] خواهر او [illegible] را [illegible] خواهر [illegible]

با اسم [illegible] و آثار [illegible] دو سه [illegible] در [illegible] بر حسب [illegible] ثبت شده است

یوم [illegible] دوازدهم [illegible] حرکت [illegible] منزل [illegible] از [illegible] خط سیر [illegible] فرسخ [illegible]

شرقی شمال [illegible] طرف شمال [illegible] و مسافت [illegible] فرسخ است رودخانه کشف رود [illegible]

[illegible] که از [illegible] رودخانه [illegible] سرخس [illegible] درست [illegible] هزار [illegible] دیگر [illegible] آن بعضی جاها [illegible]

دیگر بعضی جاها [illegible] در [illegible] مسافت امروز تماماً [illegible] صحرا [illegible] وسیع [illegible]

و آنچه [illegible] از [illegible] طرف [illegible] های [illegible] دیده میشود [illegible] در کنار راه [illegible] قلعه

و آنچه [illegible] طرف [illegible] جز [illegible] دیده [illegible] میشود درست [illegible] آن طرف رودخانه [illegible]

[illegible] صحرا [illegible] وارد [illegible] میشود [illegible] است [illegible] که [illegible]

ترکمان [illegible] هنگام [illegible] جمع شده [illegible] که [illegible] میشود [illegible] که [illegible]

[illegible] قسمتی [illegible] است و یک فرسخ [illegible] از [illegible] در [illegible] درست [illegible]

[illegible] بعضی [illegible] آخر [illegible] میشود که [illegible] و [illegible] آن [illegible] آثار [illegible]

متصل [illegible] که آن [illegible] دارد و [illegible] بزرگ [illegible] است امروز در صحرای [illegible]

[illegible] خوش [illegible] اطراف دشت [illegible] طرف [illegible] از [illegible]

[illegible] صحرا [illegible] تعالی [illegible] حکم [illegible] را [illegible] سواران [illegible]

[illegible] در حرکت [illegible] در صحرا [illegible] طرف [illegible]

[illegible] در [illegible] آب [illegible] طرف [illegible] رودخانه [illegible] سوار [illegible]

[illegible] سواران که [illegible] از [illegible] رودخانه [illegible] میکرد [illegible]

[illegible] دشت [illegible] آهو [illegible] آهو [illegible] شکار [illegible]

شکار [illegible] سواران [illegible] تمام [illegible] سوار [illegible] ها را هم [illegible] زخم [illegible]

[illegible] مرو [illegible] منزل [illegible] شد [illegible] ساعت [illegible]

[illegible] که [illegible] روز [illegible] طرف [illegible] سرخس [illegible]

[illegible] قلعه [illegible] رودخانه [illegible] که [illegible]

[illegible] شده [illegible] سرخس است که [illegible] تعالی [illegible]

حکم [illegible] قلعه [illegible] سرخس [illegible] شده [illegible]

[illegible] بنا که [illegible] قلعه [illegible] رعیت [illegible]

روز چهارشنبه سیزدهم رجب که عید مولود مسعود حضرت [illegible] علیه الصلوة و السلام است [illegible] الله [illegible]

از [illegible] حرکت [illegible] منزل [illegible] سرخس [illegible] خط سیر [illegible] طرف شمال [illegible] و [illegible]

چهار فرسنگ است رودخانهٔ سرخس همه جا در دست راست نزدیک راه دیگر نیز شش بعضی جاها جنگل بعضی جاها
خشک و بی درخت است زراعت زیادی متعلق ترکمانان که رعایای دولت علیه در سالهای نزدیک سرخس دیده میشود
مسافت امروز هم خاک است و صحرای وسیع علف قابل و مستعد زراعت و آبادی است و بهترین جا
خاکی که اراده کرده طرف راه دیده میشود هزار جریب فرسنگ مسافت معلوم می گردد همه را آب ... میتوانند
جنگله دربان است نهارگاه امروز در کنار سالها بود آنکه سمت راست است اتفاق قلعه دولت آباد است
در قلعه چهار برج است و خندق هم دارد محکم است سکنه ندارد حرفه نفر ... مشغول قراولی هستند دارد قرار ... نقیض
بیست ... نفر آنها مشغول دولت آباد هم مرمت شده این قلعه متصل راه است
و خرابه هم زیاد داشت از زردی باز در ... عباس خان شده که انبار آب ... است و پنجه
شمالی ... قرار داد که از اول ... مشغول زراعت ... رعیت ... در اینجا هم
اینجا معین نمود در هم قلعه قزل قلعه به آنطرف رودخانه فاصله ربع فرسنگ دیده میشود خالی از سکنه و خلق ...
این قلعه را ساختن حکم مرحوم جنت مکان الدوله در سنه قزل قلعه را ساخته بودند که ساکنین قلعه محافظت ... کرده
کسی خراب نکند و بنه قزل قلعه ... در نزدیکی این قلعه بسته و دوری اردو رودخانه سرخس جدا گشته بودند که آب
این نهر هفت فرسنگ راه ... و املاک سرخس قدیم و محکمه و ... آبادی های جنگله آنطرف
رودخانه ... شرب ... سرخس قدیم در آنطرف رودخانه فاصله نیم فرسنگ در ... نیست
نمایان است و در نزدیکی سرخس قدیم ... در کنار ... رودخانه بسته بودند که ... چشمه بزرگ ...

بعدا

و جنگ بعضی جاها از آن جاها خراب شده آنکه سمت چپ اتفاق قلعه خرابه است مرسوم بقلعه ...
خالی از سکنه است در هم ... قصبه خرابه است که آثار خانه زیاد هم در آن دیده میشود و آب جاری هم دارد
میگویند اسم آن قلعه ... است سیم قلعه چهار برجی است که ... تاج سردار ترکمانان و چند خانوار
ترکمانان که رعایای دولت علیه است و او به معتبری ... خانوار هم در خارج قلعه بفاصله هزار ذرع از سالها
دارد که خانوار اینها در او به است و قلعه مزبور حالا سکنه ندارد این تاج سردار ... است ... و دیگری
از مرو آمده و بامرو بیها خوب است امروز هم در سالها ... قره قاول و کنگ بسیار گفتند و انعام گرفتند و ...
پنج ساعت بغروب مانده به اردو که در خارج قلعه سرخس نزدیک رودخانه نصب شده بود ورود شد و ...
در هوا ... ده است یک ترتیب از ... قلعه سرخس ... گفتند وقت غروب امروز
... مستطاب ... خواسته با چند نفر ... و بعد از ... رودخانه عبور ... ترکمانان
که رعایای دولت علیه ... ترکمانان ... اظهار ...
گفتند قلعه سرخس ... مرحوم جنت مکان الدوله است که ... بنا ... سرخس
گفته است بفاصله هزار ذرع در این سمت رودخانه است

روز پنجشنبه چهاردهم اطراف سرخس است ... ساعت ... سرخس قدیم ...
سرخس ... است و محکمه ... ترکمان ... سرخس ... رودخانه
سرخس است ... رودخانه ... ربع فرسنگ ... رودخانه ... ها

متعلق رودخانه ظهر منحوط طرف شرق بالای ساحل رودخانه منحرف شده تا سرخس قدیم سمت باب شرق
و جنوب بسته گود دارد و مسافت یک فرسخ است رودخانه سرخس همه جا مقابله کم در سمت راست راه است و کنار
آن جنگل و علف و در جنس نیست و راه محمد آباد از راه آکار علف در جهت زمانی هم متعلق ترکمانان
که دیار دشمنی در دست قلعه است آنکه منحصر به جاده است از ترکمانان مزبور که در ملحق رودخانه از سمت
قامت دارند و موکب بالا مرحله ظهر مسافت یک فرسخ تا سرخس قدیمی دارد که در دو لای نهر در کنار رشته مرتفع تپه آیت
و آثار آن که کهن باقی است و دلالت بر عظمت و اعتبار آن میکند و کنار آن در بالای تپه تپه است در هر حال
از تمام آبادی این حصاری باقی مانده است قلعه است که در بالای تپه مزبور است و این قلعه ارک و دیوار
و بروج و عمارات تماما از آجر ساخته شده است در بالای برج در و دلان آثار عمارت باقی است که احتمال
سر در نقاره خانه بوده است و در وسط قلعه آثار عمارت رفیع رباط است که شاید برج و محل تفرج صاحب قلعه بوده
و از آن روی این قلعه دیوار در جنس غیر منظم و بسیاری باقی ماند گذشته و سقط ساخته اند معین می گردد که ارک اصلی قدیم است
جلگه مقبره خراب شده خراب گفته اند در باره مآخذ آن این قلعه جا به سلاطین ساخته اند و اینهم خراب شده است
و این همان قلعه است که ترکمانان در اواخر عهد خاقان مغفور محکمه کرده تمرد و عصیان می ورزیدند و بعهد سرداری سلطان
مراد میرزا نظیر کشیده بقهر و غلبه مفتوح ساخت و خراب نمود و بالای تپه ایوان گنبدی عالی است که از آجر
در کمال امتیاز و استحکام ساخته شده است بعضی آن را مقبره و قتلی این دو نفر از باستانیان وزیر اعظم
نامی از سنین و در جوار سرخس تربت حضرت لقمان علیه السلام گفته شده میشناسند و حضرت شیخ ابو سعید ابوالخیر علیه

و بقعه حضرت ولایت و بقعه حضرت الذکر التحیه و السلام قبل از وقوع و قبه ازان خرد و ده محمد قبر از دوری تاریخ بنای
مقبره که بعد از خرابی ساخته ارتفاع فضای ساخته شده و تاریخ بنای مقبره معلوم نشد که مقبره یا از امرای
ترک است کلمات چند در کتیبه ایوان که خط کوفی از آجر در آنجا معلوم نمیشود چند کلمه از اول و چند کلمه از آخر کتیبه باقی مانده
و تاریخ مزار معلوم نمیشود باقی مانده است کلمات اول کتیبه این است و تحت مزه العماره کلمات آخر
این است فی شهور سنه ... و چند کلمه خط کوفی هم بالای کتیبه باقی است که در اعلام که رفته رفته چیزی از آن
خوانده نمیشود در مقبره وسط گنبد است و از سطح زمین گنبد سه چهار گز ارتفاع دارد سنگ و یک چارک قطر دارد و بالای
آن نصب شده است و کلمات چند بر آن سنگ خط ثلث حجاری کرده اند بعضی از آن و تاریخ آن شکسته و از جا در رفته است
در آن مرقد هم جزء شکسته هم ریخته است آنچه خوانده میشود این است هذه مرقد الامیر السعید الشهید
المرحوم المغفور امیر ... امیر ... طاب مرقده و نور قبره و در این ... طالب ... بعد از ... حفظ تاریخ سرخس قدیم ...
تا خیر ... برای حفظ محکمه قشون ... و در این حال ساخته شده است ... از خط ... همه جا قطر
... بسته گود دارد و مسافت یک فرسخ است رودخانه سرخس همه جا مقابله کم در سمت چپ است و فرسخ از نواحی
... آثار آبادی در کنار رودخانه که در قدیم قصبه آبادی بوده و خراب شده است در ... مرحوم ...
... خان ... به عزم جنگ با قشون ... و ... این ... صفحات ... بود
در این نقطه و یک فرسخی محکمه قشون ... است ... و ... ساخته بوده است که آثار آن باقی است و ...
این ... محکمه قشون ... یک فرسخ ... در رتبه ... است ... و این ... است ... آن

خان خوارزم محمد امین خان کشته شد و سر او را به دربار اعظم فرستادند آن خبر و جسد او که در خارج دروازه پشت قلعه گذاشته بودند

قصبه جماعت او نوروز سلطان این است خبر خوارزم شد که توکلیمان و بر کش آمد و اینجا سارک ایران نزد ... سلطان

مزار ... قلعه محکم ... سه دروازه ... از ارک ... که در ملاحظه ... قلعه بسیار محکم و بزرگ است که ارک

که آنجا هم دارد و همه اطراف آن خندق است و در دو طرف آن ... و دیوارهای ... ساخته ... است و در این ... آب

یک فرسخ ... است و ... آن خرابست برای ... قلعه ... این ... و ... و تمام ... ترکمان

در ... کنار ... نمود عصر ... وقت غروب وارد ... گردید

روز جمعه ... اطراف ... نزد ... سلطان ... میرزا محمد ... سرهنگ ... را جمعی از این ... است

... از ... شیخ ... از ... و ... هر ... که ... برای ... و ...

... ... که ... از ... محکم ... که روز ...

... ... که قلعه ... اطراف ... گردد ... از آن ... خاطر ...

... ... اطراف ... در ... است ... که ... است ... مرغ ... کنار

... در کنار ... از ... اطراف ... و ...

... جماعت ... ملاحظه ... ترکمان که ...

چون معلوم شد از ترکمان طایفه ... سردار ... پس ... گردید

... اطراف ... است ... سلطان ... ...

اقطار

حصار ... ملاحظه ... قلعه ... در ... ارک ... دارد ...

خارج قلعه ... دروازه ... نظام در ... ... احترامات نظامی ...

و ... سلطان ... ارک از دروازه ... ارک ... دروازه ... قلعه ...

در ... از ... خارج ... آنکه ... خارج ... ملاحظه ... دیوار ...

... محکم دارد ... چهار فرسخ ... عرض ... است ... نظام ... در قلعه

... است لیکن ... آن بسیار خراب ... عمارت ارک ...

... دارد ... در وسط قلعه ... قسمت که ... قسمت آن

... است ... قسمت ... از وسط ... و ... بسته ...

اکثر آن ... خراب است ... و ... که ... دارد ... حمام ...

مختصر دارد و آب ارک قلعه از نهر است که ... و ... در ... آب ...

... آب ... قلعه ... دارد ... در دارالارک که ... است و ...

... از ... ترکمان ... سلطان ...

قلعه ... ملاحظه ... که ... در سمت شرق آن ... معروف است ...

... که ... بعضی از ... کتاب ... دارد ... از ... خارج ...

... سلطان ... از ... عبارت است از ...

گنبدی وسیع و عالی که از آجر ساخته و الواح کاشی بعضی کاشی کاری هم دارد که چند جای آن شکسته و ریخته و سقف ایوان

خراب شده و در و دیوارها هم خراب است مقبره در وسط گنبد است سنگ تاریخ ندارد که معلوم شود مقبره که است

در درب جلو طاق که در جنب درب گنبد بیت‌ها آن کاشی به خط ثلث کاشی ریخته و در درب گنبد این عبارت را

به خط ثلث نوشته‌اند امر بانشاء هذه العمارة فی ایام صدارة شیخ الاسلام الاعظم شمس الحق والملة والدین فخر الاسلام والمسلمین

معین الضعفاء والمساکین محمد ابن محمد ... فی سنه سبع و خمسین و سبعمائه و معلوم می‌شود که

یک صد و ... گذشته باری مراجعت نمودیم

روز پنجشنبه ۱۷ اطراق خبیص است میرزا محمد خان مهندس نقشه که حسب الحکم از ارض اقدس و مداری آنجا

رودخانه خبیص تا محمره و شط العرب نوشته بود نقشه و از آنجا محمره و شط العرب تا کنار نهری که در قول ...

از رودخانه خبیص ... و در انجا ... رودخانه تبریز و ... قلعه ... نقشه بود در اینجا نقشه نموده

بالتمام قلعه ... که علیحده رسم کرده بود به نظر نواب مستطاب والا رسانید و بسیار ... نظر والا ... ملاحظه

عباسخان حاکم خبیص مقرر شده و جمعی از عملجات و بنا و عملک ... ریسمان ... نهر ... دو روز

اصلاح مختصری از آن ... که برای قلعه ... آنکه ... قلعه ... تا به ... ها

نهر مزبور با کمال دقت ... و اصلاح کامل ... و ... خان ... بانجام خدمت مزبور

رفتیم میرزا محمد علی خان مهندس نقشه ... قصبات و دهات ... و کلات را با جمعی در ماموریت

سابق خود نوشته بود امروز مقرر ... از اینجا با جمعی ... ان ... تا ... والا در خبیص اقامت دارد

نقشه ایجا هم ... که ... نقشه سابق ... تمام ... و ... در آن نقشه تمام شود ... سه گاه

... ماموریت رفت و به ... ما ... همراه ... محمد علیخان ... ازو ... انجام ... شده

روز جمعه ۱۸ اطراق خبیص است در این روز سهام الملک ... معتمد ... که تمام ... مقرر

... با ... و کمال دقت ... و ... داغ ... داغ ... داغ ... تمام ...

و ... و ... گذشته و ... داغ ... سهام الملک چند دسته ... ایلات ... جمعی

... داغ ... داغ کرد ... خبیص امروز ... حرارت بود ... گرم ... هوا ...

نواب مستطاب والا بعضی از ... کتاب ... رکاب ... که توانند ...

نمود امروز ... ساعت ... اطراق ... گرمی ... هوا ...

... خان ... هم ... رفت ... که برای ... قلعه ... داغ ... خبیص ...

روز شنبه نوزدهم اطراق خبیص است سهام الملک امروز ... چند دسته ... الوار ملتزم رکاب را ...

جمعی ... داغ ... داغ نمود ... ساعت ۳۰ از دسته گذشته که ... ساعت ... از طلوع آفتاب

رفته ... مقرر ... در ... که ... در خانه ... و ...

دو ... در ... که ... ساعت ... در حضور

نواب مستطاب والا ... که میرزا محمد علیخان ... مهندس ... بود برای قلعه

۲

دیروز گذشته ... قلعه جدید

که در ... محمره ...

... آواز

... قزل ...

رودخانه ...

... عنوان

... و جمعی ...

...

... قلعه ...

...

نانه رجی مخطط کهنه و شروع بکار نموده بهتر است که ان شاء الله حاقوب باتمام برسد و فاصله ربع فرسخ از این قلعه در کنار

راه مرو تپه نیست مردم به بیلاق تپه متفرق شده و بالای آن تپه نیز برجی محکم و قراول خانه این قلعه باشد خانخانه و دیوار درست

کنان برای مصارف بنا از صحرا و قناته و اطراف ذوات معتمد والاسلس از فرخت لد این کار در جنگلی که در رودخانه

باقی شده . بهار بسیار کرده اند که راحت نموده و عصر باز هم مراجعت کرده امروز در جنگل این رودخانه ای از غلات

فرار کرده بود چند نفر غلام از تعاقب نمودند از میان جمعیت قریبی در اطراف در جنگل بیرون جهت دسته نفر

جرأت تعاقب آن کرده و سر هم از جا ببرد آنها فرار کرده بی لوت بیرون شده

روز چهارشنبه ششم — اطراف رخس است و سهام الملک امروز در قشون ...ان قلعه ها و دراغ کهنه ابهار ... داخل

انها کرده باینها سالم تمام بود امروز میرزا محمد خان سرهنگ هم رسید برای نقشه کشی اطراف رخس است جهت

و طرح نقشه بود برای انجام خدمت مراجعت نمود نواب مستطاب والا به رکنان که بهادر شجاعی دولت علیه بود که در خاک

رخس خدمت در غیبت شکسته بود و لطف دسته و هم وارد دو کلم ساعته در دستهای آنها از قرار تفصیل ذیل است

نمودند

تاج سردار — جنبه ترجمه از لندن — ...

بارون سیوال — جنبه ترجمه از لندن — ...

محمد ظاهر سردار — جنبه ترجمه از لندن — ...

رئیس محمد ... رکنان — جنبه ... — محمد ...

در زمین الهامی محمدی رکن الدوله لبنا اردو متفرق شده که نقشه رخس قدیمی و رخس ناصری و محکمه ... شده

با مقیاس صحیح لوازم و شمار آنها حسب المقرر نقشه های مسطوره بدست آوردند و منظر والاسایه و مطیع قشلاق

روز پنجشنبه بیست و یکم — موکب والا ساعت از روز گذشته بقصد حرکت از مراحات رود زد آباد ... از

بین خواتون حرکت نموده منزل افتتاح نزد روز آباد است که قبل از ورود به رخس قشلاق گاه اردو بود

خوانسالا جنوب

خوسلا جنوب بالای مشرق و مسافت همان چهار فرسخ رودخانه رخس در دست جب حالت طبیعی از اراضی

در راه همان است که در نیم نزدیم رجب نوشته شد نهار گاه در کنار سلا بود و در سلا نقشه میقا خراسکه

طرح بیکان سبیل رکن تنگ راه رقه و دل و گرگ و خوک و خرگوش شکار کرده عباس خان حاکم رخس و سردار محقق والا

در قرار و ذیل منتج شده از بس مسلاخرصی که نموده حرکت والا ساعت مغرب بازه باره والا کرده

عباس خان سرتیپ — سرداری ترجمه ... — ...

... سرکرده ... — سرداری ترجمه از لندن — ...

روز جمعه بیست و دوم — موکب والا کما ... از روز گذشته حرکت نموده منزل انب

بین خواتون است و نیز قبل از ورود به رخس قشلاق گاه اردو بود خط سلا تا افتتاح منزل بطرف

جنوب و در دوم و در نخی بین خواتون بطرف جنوب مایل بمغرب متمه است و مسافت شش فرسخ

رودخانه رخس در دست چپ و حالت طبیعی از اراضی مقسم است که در نیم دوازدهم رجب نوشته شده

نهار گاه مقابل تپه در کنار رودخانه بود شکار رقه و دل و گرگ امروز هم بسیار نیافت طرح بیکان کرده

موکب والا ساعت مغرب با شور و ازدحام وارد شدند امروز کاغذجات طهران که توسط بسته از طهران

فرستاده رسید بود مطالعات علم باز رسید و خاطر والا تا شب مشغول مطالعه آنها بود در این منزل اسم قم جسته

معینه حاکم رخس و قراولان آق دربند و سرخس بال صادر کرده و به هاتم مستعجب از قول تمام به سلام روزه آمده

رقم از دولت مستطاب والا که تا حکمی از وزارت امور خارجه در دست و دسته بسته اعیان و خوانین کلات از رخس

در باب جهت تحصیل و نقشه برداشتن فرستاده نمودند عصر امروز در اردو نقشه کشیده حاضر گردیده برای ...

که جوانی با ایشان [illegible] بود و کنار رود خاتون را داشت و نوبی برای از کوه سیلاخور آب فرو رفت بیرون [illegible]

گاه که مراقب برای آنها دو نفر همه که توقف او را در زیر آب [illegible] از سر عقب اهل [illegible]

خوردن آب آنها [illegible] الله [illegible] گفتند او را [illegible] تا آن سوار جوان [illegible] تا حال

کسان او را نیز بر او بودند جمعی [illegible] از آب [illegible] فرسخ [illegible] رودخانه سیلاخور

تمام تفحص نمودند از [illegible] آب [illegible] جستجو [illegible]

گفته‌اند [illegible] حاکم کلارت [illegible] رسید

دوم شنبه بیست و ششم　　از رود خاتون زودتر [illegible] سیلاخور است اول دو رشته کوه [illegible] دو رشته

سیم دو رشته [illegible] اول [illegible] آب رودخانه [illegible] از سیلاخور [illegible]

دو [illegible] راه [illegible] سیلاخور [illegible] است

[illegible] در جهت [illegible] سلطان [illegible]

[illegible] از [illegible] فرسخ [illegible] سیلاخور

در سه منزل [illegible] زودتر [illegible] نصف فرسخ [illegible] چهار فرسنگ [illegible]

[illegible] سیلاخور بطرف مقصد روانه گردید [illegible] در منزل

[illegible] خاتون [illegible] تحریر [illegible] منزل [illegible]

[illegible] در رشته [illegible] بعضی ترجیح [illegible] بطرف [illegible] حرکت نمود

منزل

منزل [illegible] چشمه [illegible] سیلاخور [illegible] جنوب [illegible] تا منزل بطرف جنوب

[illegible] فرسخ است رودخانه [illegible] و آب [illegible] هم

در سیلاخور [illegible] فرسخ [illegible] راه [illegible] کوه [illegible] دارد و تمام [illegible]

[illegible] قلعه [illegible] مطلق در سیلاخور [illegible] در [illegible] است که در [illegible]

در این نقطه تقریباً [illegible] از طرف کوه [illegible] بطرف [illegible] است [illegible]

[illegible] طرف دیگر [illegible] که [illegible] خرابه [illegible] است [illegible]

[illegible] مرحوم حاجی [illegible] امروز [illegible] آن [illegible]

[illegible] چشمه [illegible] و آب [illegible] دارد [illegible]

[illegible] در این [illegible] است [illegible]

روز [illegible] بیست و چهارم　　[illegible] حرکت [illegible] منزل [illegible] سیلاخور

بطرف جنوب [illegible] فرسخ است رودخانه [illegible] چشمه در سیلاخور [illegible]

[illegible] است که بعضی [illegible] هم دارد [illegible] است [illegible] اول [illegible]

[illegible] قلعه [illegible] است که تقریباً قلعه [illegible] است [illegible]

[illegible] امروز [illegible] زودتر [illegible] امروز [illegible]

[illegible] سیلاخور [illegible] منزل [illegible] حاکم [illegible]

زور آباد استقبال برکی والد آمده بودند و برکی والد [illegible] که ترکمانان عبور نموده‌اند که مقابل ایشان در کنار چشمه

نصب شده بود در هر دو [illegible] به هنگام عبور ایشان [illegible] قشون و علاها و حشم ترکمانهای زور آباد از بزرگ و کوچک در خارج ایشان

سر راه صف بسته و [illegible] نمودند و یک نفر از ترکمانها [illegible] ترکی [illegible] سرخ [illegible] در ترکمانها

شاه [illegible] طفلان ایشان به طور [illegible] تعظیم [illegible] و احترام [illegible] آمده‌اند و در آن [illegible] نواب مستطاب والا چند دقیقه توقف و صحبت

به [illegible] که [illegible] زور آباد [illegible] و [illegible] مرحوم [illegible] امیر [illegible]

تیموری [illegible] مرحوم [illegible] کرده [illegible]

[illegible] خراب شده [illegible] تیموری [illegible] ترکمانها [illegible]

[illegible] در این [illegible] قلعه [illegible]

[illegible] قلعه [illegible] خراب است

روز بیست و پنجم   اطراق در زور آباد است نواب مستطاب والا امروز جمعی از [illegible] ترکمانها

[illegible] و الاعتمالی [illegible] سهام الملک میرزا محمد حسین [illegible] حاکم

جام [illegible] میرزا [illegible] قلعه زور آباد [illegible] ترکمانهای [illegible] در خارج آن

[illegible] از [illegible] آنجا [illegible] نقشه [illegible]

[illegible] زور آباد [illegible] قلعه [illegible] کوچک [illegible] ذرع

عرض و [illegible] ده ذرع طول [illegible] ذرع عرض [illegible] ذرع

طول

طول دارد و قسمی ساخته شده است که قلعه کوچک میان ارگ قلعه بزرگ باشد [illegible] دور قلعه کوچک [illegible]

دیوار قلعه بزرگ خرابه [illegible] و بعضی از دیوارهای آن باقی است نواب مستطاب والا [illegible]

در قلعه کوچک را برای حاکم [illegible] است [illegible] آثار [illegible]

[illegible] دیوار محیط قلعه بزرگ را که باقی است تعمیر [illegible]

خراب شده [illegible] ترکمانها که [illegible] در قلعه [illegible]

قلعه بزرگ خانه [illegible] ساخته [illegible] ترکمانها [illegible]

[illegible] در [illegible] قلعه [illegible]

[illegible] زور آباد [illegible] میرزا [illegible]

[illegible] دارای [illegible] برج [illegible] عمارت [illegible]

[illegible] حمام [illegible] قلعه کوچک [illegible] به طرف خارج

دروازه [illegible] قلعه بزرگ [illegible] برج [illegible]

[illegible] قلعه بزرگ [illegible] ساخته [illegible] برج [illegible] توپ [illegible]

[illegible] توپ [illegible] قلعه بزرگ [illegible]

[illegible] تمام [illegible]

[illegible]

بروج و باره قلعه ارگ مطابق نقشه شده و عمارت و بیوتات داخل آن هم تمام ساخته و آماده گردیده و فقط دیوار محیط قلعه ارگ هم
ساخته و استحکام داده شود و جناب مشارالیه بحضور اعلی حضرت خبر داد که مرقومه ضبط قلعه ارگ و حصار شهر را با اتمام مخارج
[illegible] و [illegible] آماده و معرفت از شهر [illegible] جدید [illegible] معمار [illegible] با اسباب کار
باید مشغول کار گشته [illegible] برای مخارج [illegible] داده شده و امروز [illegible] میرزا محمد حسن خان
حاکم جام با فرزند میرزا معصوم خان [illegible] آقا بابی و جمعی دیگر [illegible] ترکمان‌ها رفته [illegible] ساکنین [illegible]
با عده و نفوس آنها [illegible] حضور [illegible] جناب اقدس با انعام خلعت مرخص فرستند امروز طرف عصر [illegible]
وعده ما [illegible] ترکمان‌ها [illegible] خواسته اظهار [illegible] و تعهدات با نهایت [illegible]

سه‌شنبه بیست و ششم اطراق در [illegible] امروز [illegible] مقبره خواجه حسام الدین [illegible]
[illegible] که [illegible] واقع است [illegible] دارد و [illegible] قرار داده‌اند
[illegible] اول [illegible] قلعه [illegible] ترکمان‌ها رفته [illegible] مقبره [illegible] بطرف
[illegible] بعضی [illegible] مقبره خواجه حسام الدین [illegible]
[illegible] در [illegible] حسام الدین [illegible] که [illegible] بزرگ [illegible]
[illegible] برج طغرل که در [illegible] سقف آن [illegible] بعضی خطوط
[illegible] که [illegible] مقبره [illegible]
[illegible] آن [illegible] است که [illegible] در حوالی آن [illegible]

قریه [illegible] از مقابل [illegible] تاریخ آن [illegible] هزار و [illegible] هزار و [illegible] عمارت
[illegible] از طرف [illegible] مرحمت [illegible] و [illegible] امروز در [illegible]
[illegible] و [illegible] که [illegible] بسیاری [illegible] گرفته [illegible]
بسیار [illegible] ترکمان‌ها [illegible] حضور والا [illegible] تمام [illegible] قسمت [illegible]
و امروز [illegible] میرزا محمد [illegible] از [illegible]
و اول [illegible] مقرر [illegible]
[illegible] روانه گشته امروز [illegible] ترکمان‌ها [illegible]

چهارشنبه بیست و هفتم امروز میرزا محمد حسن خان حاکم جام با فرزند [illegible] آقا بابی [illegible]
و عده و نفوس ترکمان‌ها [illegible] که [illegible] امروز مشغول تعیین آن [illegible] حضور والا [illegible] و جمعیت [illegible]
و چهار هزار [illegible] و عده و نفوس [illegible] امروز مشغول تحریر [illegible] که
[illegible] اطراف عصر [illegible] و در بین [illegible] از
[illegible] روانه [illegible]

پنجشنبه بیست و هشتم اطراق در [illegible] امروز [illegible] از طرف ترکمان‌های [illegible]
بعضی [illegible] و [illegible] گرفته [illegible] و تمام [illegible]
اظهار [illegible] از بزرگ [illegible] ترکمان‌های ساکنین [illegible]

منصوب نمودند و بقیه نفر بودند برگرد و کاسه که خارج سرحد از اینجا است ذکر نمایند برای قراولان و سایر خدمات

سرحدی گرفته و مواجب در وجه آنها را و اخراجات معاش تا کنون است بدینسبب ذکر نمایند محمد دارو غه [illegible]

انعام نقدی — الف

خلعت

		جبه ترمه کشمیری / ترمه اعلی / ماهوت	شال ترمه اعلی
			جمعاً طاقه
سرکرده قراولان جبه ترمه کشمیری	[illegible] جبه ترمه اعلی	[illegible] جبه ترمه اعلی	[illegible] جبه ترمه اعلی
[illegible] جبه ترمه اعلی	[illegible] شال ترمه اعلی	[illegible] شال ترمه اعلی	[illegible] شال ترمه اعلی
[illegible] شال ترمه اعلی	قراولان شال ترمه اعلی	[illegible] جبه ماهوت	

انعام و خلعت از جانب دولت علیه با بهانه و دل داشته و قربان میرزا ابن مرحوم نایب السلطنه [illegible]

و محمودی کاشی و از مهم و جنگ دیده در خراسان حکومت های سرحدی و ریاست بلاد داشته است

برای حکومت زور آباد انتخاب نمودم او را از تربت حیدریه احضار کرده و علاقه مخصوص برای آوردن

او روانه شد و حول قلعه زور آباد هنوز آب های کافی ندارد و جای لازم و ضرورت موافق تفصیل از قرار

وجه قراولان	قراولان سرحد	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]

فرمودن کتاب دستورالعمل است بدینسبب که همراه ایلچی در روز در زور آباد که زر اردو حاضر شدند ترتیب فتح قراولان

سرداری ترشیز نیز ملتزم نمودند به گونه ای موقوف قلعه زور آباد منصوب داشته و نفر مخصوص آن قدر در زور آباد توقف

باشد که قلعه آن استحکام یافته قراولخانه دستورالعمل است چه مرتبه دو قراولخانه قلعه که ساخته میشود و الحال [illegible]

برج کشیده و دست نفر سازند گروهی با یک نفر و آنجا که بعد از دو شنبه مقدس های ساخته زور آباد و [illegible]

میشود در بنا که برای آنجا ساخته میشود منزل ایلچی و هر وقت قربان میرزا حاکم زور آباد وارد بشود با او حکایات تکلیف

در خدمات سرحدی و دولت علیه همراهی داشته باشد و بس از آنکه از انتظام تمام کارها اطمینان حاصل بشود

باطلاع قربان میرزا مرتب را اظهار کند تا در سلامتی مراجعت او تقاضای وقت ملتزم بشود و دوام [illegible]

مرتب شمالی ها را با همراهان و سرداران مفصله در ذیل از فرمودن کتاب که تفصیل آنها بعد ها در کتاب [illegible]

[illegible]	قراولان [illegible]	قراولان [illegible]	قراولان [illegible]	قراولان [illegible]
[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]

مرخص شدن نمایند خود نمودند جمعه بیست و نهم — مرکب ایلچی با جماعت از زور آباد گذشته حرکت منزل نموده در آنجا

مرتبش قالب بست خط سرحد تا دو فرسخ که بقلعه خرابه کوشک غز میرسید همان راه است که روز یکشنبه بیست و چهارم

در خود زور آباد ذکر شد و بطرف شمال مایل به مغرب و از کوشک غز تا منزل با انحرافات

جزئیه بطرف مشرق مایل بجنوب بسته است و مسافت چهار فرسخ است اغلب آب و رودخانه چشمه دارد

و بقدر زراعت هست و در جنب نقطه ترکمانها سالور ساکنین زور آباد زراعت زیادی کرده اند از کوشک غز

تا منزل راه در میان دره و کوه و تمام جنگل نی و گز و علف زار است استر او دارد و نهارگاه امروز میان دره

در کنار جنگل و چشمه آب بود قلعه دوالکی در سلامیت در سمت راست در کنار تپه در دو نقطه شش خرابه

در کنار راه است و در سمت چپ همان قلعه خرابه کوش [...] است بالای تپه مرتفع و [...] دیده

پس از طی مسافت چهار ساعت به غروب مانده به منزل وارد شدیم امروز [...] در منزل [...] اردو میان

نیزار ریخته برای [...] علف [...] جمع [...] نیزار [...] جسته کوه کوچک

کنار نیزار بالا رفت جمعی [...] از عقب [...] کوه [...] محفوظ

[...] کرده بودند [...] کرده [...] کشیده و فرار [...] بسیار [...] آن از اطراف

[...] شده از کوه تا [...] طرف نیزار گریخت چند نفر سوار [...] و چند نفر از ترکمان‌ها

[...] پیاده شده با شمشیرها کشیده و چند نفر [...] چوب [...] که تیرهای کاری

به [...] نیزار [...] شده با شمشیرها [...] حرکت [...] که [...] تیر خورده [...]

[...] از اتفاقات [...] دیگر [...] سالم در میان نیزار [...] غفلة [...] حمله [...] چند نفر از

زخمی [...] شمشیر و چوب [...] کشته [...] چند نفر از

سوارها [...] ترکمان‌ها [...] زخم دار شده [...] سید احمد طبیب [...] جراح [...]

زخم‌های [...] هیچ کاری [...] سوار [...] حضور [...]

انعام [...] دولت [...] جمعی [...] تا شب در میان نیزار [...] تفحص کردند

تا هر جا [...] تیر خورده [...] از این [...] یک شب [...] دره [...] بود که [...] از اردو [...]

شده [...] اطراف [...] امروز [...] کم [...] ملاقات [...] از [...] خود [...]

ملاقات کرده [...] یک شب جمعه ترکمن‌ها [...] منع شد

شنبه ۲۴ رجب [...] ساعت از روز گذشته حرکت نمودیم منزل امشب در [...] قلعه خواجه [...] است

خط [...] جنوب و مشرق [...] مسافت [...] فرسخ است در [...] راه چشمه‌های آب [...]

از میان دره [...] است [...] در [...] منزل گاه [...] راه [...]

میان دره [...] که بعضی جاها وسیع و بعضی جاها کم وسعت [...] است نهارگاه در وسط راه کنار

نهر آب و جنگل نی [...] نقطه آخر [...] اول [...] است و در بالای تپه [...]

[...] است که حال [...] قلعه [...] در کنار [...] که اطراف قلعه خرابه [...]

است که [...] آن [...] در [...] چند [...] شد [...]

[...] چهار ساعت به غروب مانده به منزل [...] یک [...] که [...] ترکمان‌ها

[...] کشته [...] حضور [...] آنکه [...] است [...] ترکمان‌ها [...]

و [...] زراعت [...] کرده‌اند

یکشنبه ۲۵ [...] یک ساعت از دسته گذشته [...] حرکت [...] منزل امشب [...] است خط

از میان جنوب و مغرب [...] دارد و مسافت [...] فرسخ است آب در سلامیت [...] زراعت

متصل به بیقان محمود آباد و سالار باد در پیش فرسخ اول این سالار از میان دره وسیع که آب و علف دارد همه جا

دارد در بیرون خارج منجو و فرسخ آخر جلگه جام است دارد همین آن را دستگرد آنچه است نهارگاه قریه بیقان

ملک جناب [illegible] است که نیم فرسخ از سالار است [illegible] این قریه [illegible] که از گنجی [illegible] آنکه [illegible]

قبل [illegible] او [illegible] در همین قلعه [illegible] برادر او [illegible] جمعیت [illegible] آخر قریه بیقان [illegible] قلعه دیگر

در جوار آن [illegible] رو به خرابی [illegible] گرفته [illegible] آنها را تماما [illegible]

[illegible] در آنجا [illegible] بعد از [illegible] سال قبل [illegible] در قلعه [illegible]

[illegible] دولت روس [illegible] ایران [illegible] دهات محمود آباد [illegible] الملک

[illegible] دهات [illegible] قلعه بیقان و قلعه نو و در سمت چپ [illegible] راه است [illegible]

[illegible] حضرت [illegible] محمود آباد [illegible] الله [illegible]

[illegible] که [illegible] ساعت [illegible] غروب [illegible] از [illegible]

عبور کرده در [illegible] محمود آباد [illegible] محمود آباد از دهات معتبر [illegible] جام است [illegible]

در قرب [illegible] میوه و [illegible] در این قریه [illegible] الله است [illegible]

از [illegible] محمود آباد [illegible] جلگه جام [illegible] جلگه جام [illegible]

دوشنبه [illegible] شعبان [illegible] الله [illegible] حرکت [illegible] منزل [illegible] جام است [illegible]

بطرف [illegible] بیست [illegible] و مسافت [illegible] فرسخ است [illegible] جام [illegible]

در سالار [illegible]

در سالار [illegible] منزل [illegible] بسیار [illegible] و راه [illegible] بسیار دارد همه جا

در راه [illegible] جام [illegible] دارد که [illegible] سالار [illegible] است [illegible] سهولت [illegible] که دو [illegible]

[illegible] نهارگاه [illegible] منزل [illegible] دهات [illegible] قلعه نو [illegible] سهام الملک [illegible]

دهات [illegible] قلعه [illegible] بیقان [illegible] نهارگاه [illegible]

[illegible] مبارکه [illegible] سلطان [illegible] که [illegible]

[illegible] دیگر [illegible] است [illegible]

معروف است که جام [illegible] قریه [illegible] است [illegible] قریه [illegible] خراب [illegible]

[illegible] است [illegible] الله [illegible]

[illegible] الله [illegible] شیخ احمد جامی [illegible]

رفته [illegible] در آنجا وقف [illegible] قلعه [illegible] است [illegible]

[illegible] دارد [illegible] خارج قلعه [illegible] میوه [illegible] بسیار است [illegible] در آنجا [illegible]

[illegible] قدیم در خارج قلعه است [illegible] است [illegible]

جام است [illegible] در داخل قلعه دارد

سه‌شنبه [illegible] شعبان [illegible] الله [illegible] سهام الملک [illegible] در [illegible] قلعه

[illegible] قریه [illegible] است [illegible]

خطوط کاشی و غیره که در مزار شیخ خاص است مقبره مزبور رفیع است اگر چه قاعده کتابه تاریخ داشته باشد معلوم نماید عمارت

متعلق بمزار مزبور که بعد از این خبر و صلاح با کرده اند عمارتست از یک ایوان بزرگ و گنبدی عالی و صحنی وسیع و باغی

مشجر مزار شیخ خاص ما بین آن در فضای صحن جلو ایوان واقع است درخت پسته در روی قبر شیخ مرحوم روئیده است

و مجری از سنگ سیاه در قبر ترتیب داده اند چند نفر از اولاد شیخ مرحوم در اطراف قبر شیخ مدفون گردیده اند و مسجد بعضی

در سمت راست و چپ ایوان است که در سال آن دو مسجد از میان ایوان است مسجد بمسمی است مسمی بمسجد [illegible] و مسجد

معروف بمسجد کرمانیست که معمار آن کرمانی بوده است و بهمین اسم معروف شد عالی در سمت شمال گنبد مسطور است

مشهور بمزار خواجه و مسجدی در سمت مغرب گنبد است معروف بمسجد جامع صبر بنای سلطنت تا این وقت که سال هجری

یکهزار و دویست و نود و نه رسیده دایر است و اتصال تام بگنبد و ایوان دارد و هر در و صحن هم خالی از [illegible] نیست

و در خارج بناهای مسطوره در سمت شمال و جنوب و مشرق چند بنای عالی و صحنی بناهای مسطوره قریباً ساخته بوده [illegible]

اغلب از آنها خراب و از جمله آنچه آباد است اول مدرسه و گنبد سبز است در جانب شمال دوم مدرسه [illegible]

مزار خواجه است که آن نیز در سمت شمال و متصل بمدرسه و گنبد سبز است سیم مسجد جامع قدیم در سمت جنوب است

چهارم مدرسه دیگر متصل بجامع قدیم و الحال در سمت جنوب است پنجم و ششم در [illegible] در سمت مشرق است [illegible]

در زمان [illegible] آخر در سلطنت شاهرخ شاه تیموری [illegible] اگر چه [illegible] آن معلوم نمود لکن قدرت آن

[illegible] از حیث صحت آن با مطابق معلومات کتاب مزبور بانی ایوان و گنبد قیاس [illegible] است

و بعد از نود و هشت سال از وفات شیخ خاص عمارت مقبره با مسجد [illegible] و مسجد کرمانی در زینت ایوان و گنبد [illegible]

قدیم

محراب این مسجد این محراب ابا کرات نموده است و در سنه ثمانین و سبعمائه عمارت نموده و بانی مزار شیخ شهاب الدین

احمد و بانی مسجد جامع صبر امیر جلال الدین فیروزشاه و بانی سردر مزار خواجه مظفر الدین خواجه شهاب الدین احمد

مدرسه و گنبد سبز امیر جلال الدین فیروزشاه بانی مدرسه جنب مزار خواجه خواجه محمد [illegible] وزیر و بانی مسجد جامع قدیم خواجه شمس الدین

احمد متولی و بانی مدرسه متصل بجامع قدیم امیر شاه ملک و بانی [illegible] سمت مشرق امیر تیمور گورکان است و تمام بناهای مسطوره

در سلطنت شاهرخ شاه تیموری در کمال رونق آبادی بوده و در دولت سلطنت شاه عباس ماضی صفوی انار الله برهانه ایوان

گنبد کاشی معرق [illegible] زینت یافته است که هنوز اغلب آن باقیست و یکی از امرای شاه عباس آب انبار در میان

باغ و جلو سردر ساخته است که آب کاریز [illegible] اهالی آنجا معروف است که هر وقت [illegible]

با حکومت حاکم تغییر یافته چند روز قبل آن آب کم آمد [illegible] شیخ صاحب [illegible]

این کلمات با کاشی معرق بخط ثلث ترتیب یافته است اتفق تحریر هذه العمارة الرفیعة فی اوان سلطان الاعظم [illegible]

خیر الامم [illegible] الکرم المظفر شاه عباس الحسینی الموسوی خلد ملکه و رباعی ماده تاریخ وفات شیخ خاص [illegible]

در مجمع مزار شیخ [illegible] که [illegible] تاریخ است [illegible] صحن این کلمات با کاشی معرق بخط نسخ [illegible]

هذه العمارة عمل العبد الضعیف [illegible] بن حاجی [illegible] غفر الله له فی سنة اربع و اربعین [illegible]

محراب مسجد [illegible] این کلمات را بخط نسخ [illegible] عبد الضعیف النحیف الراجی الی رحمة رب العزیز [illegible]

این محراب این مسجد [illegible] المحراب [illegible] سبع عشر و سبعمائه در دیوار ایوان

و در کمال [illegible] این کلمات بخط نسخ [illegible] شهر الاصم رجب سنه [illegible]

دو قاپی و سیاه‌پوش بالای ایوان در باب کنده شده به آب جمعی بلاغ فتح تبریزی دارند چون آب انبار این شهر از کهنه جوی

جاری شده است در زمان شاه جهان عباس فرزند و سیه کوهی یکی از بزرگان در کاوش خان فیروز جنگ

این حبس ساخت حوضی را آتشنه لبان که از آن جام آب نوشیدند به تاریخ این عجسته بنا که بود

آب زندگی را همین نو صد خضر فامه را نشنه دم آبی گوی بیا که جیس کنده بهمه اللذت عرض خان علیه الرحمه او ز

بعضی از بعد چنین در زر تاج این مکان شریف نزول کرده اند مختصری بالا کار در دیوار نسبه مجموعه از نوشته اند

از جمله مجموعه اسمعیل پادشاه هندوستان که در سلطنت شاه طهماسب صفوی به ایران سفر کرده بود این کلمات را

مبارک مجموعه در دیوار نوشته است عجب بیت با آنکه سعید و جهد و داشت ماند بعد رفت و الحمد لله و سلم

خواندیم شود آن کلمات این است این بیت از ترا بنده به هر کس طاهر تجناب از ضمیر همه کس در کار در وقتی که

همه جیق لطف بکرم همه دست کرم به همه کس سرگشته بادیه به امرای مجموعه این شنبه ۱۲ شهر شوال ۹۵۱ و میرزا قلی

حاکم هرات که کا هدان والد آن پادشاه لجم کلمات چند در دیوان مجموعه نوشته که خوانده نمیشود اسم خود را علیقلی خان سهلان الله اربل

نوشته و پادشاه مغفور سرور محمد شاه غازی در سفر اول که در ولایت خراسان تسخیر هرات تشریف می بردند این کلمات را

در دیوان کمبه بخط مبارک ربعی را نوشته اند رباعی تا اهل یکسیم فرق است در عالم اندر دی یکسیم خرق است

حرره ۱۲۳۹ سنه فیما سه نیم و شوری یکسال خود درست به نوشته شعر را که آن شاهنشاه بخط مبارک نوشته اند فکر کرد

قدری منتج از بخط خود نوشته از دستخط مبارک آن شاهنشاه جز لفظ حرره و اسم مبارک و به اعداد او نوشته اند جز دیگر

رجا خانم نیست — چهارشنبه چهارم — حرکت ولله و ساعت اندر گریه نوشته

واز

حرکت نمودیم منزل آب زردیک قلعه خرابه‌ای بنای آن چشمه رود رودبار که خط سلطان بود و مابین جنوب و شرق میرزا ول

بطرف شرق بیشتر او دارد و مسافت چهار فرسنگ است رودخانه و آب مطلق در سلامت و در جهت درسلام

میدانیم تقریباً ۴ تم راه در اراضی بازمستعد آلکی چمنزار است بهار کاه منزل بود و بیات خرابه در سلامت که یک بیک

سکنه نداره و تپه در کنار راه است مرسوم به تپه ماهی سکوی بنده باز در شاه آتزا و عمارات که در است امروز عقب مسافت از شاه هراه

هرات طی شده و در نزدیک منزل از شاهراه هرات راه‌ای نسبت چپ گردیده ما راه هرات از سمت راست

استوا بوده و در نزدیک منزل قلعه خرابه از بزرگان است که در زمان سلطان حسین که ساخته اند و محوطه وداد گذا

مقبره شیخ ابوالحسن نکانی که یکی از اولیای بزرگ در خارج قلعه بزرگ است و اطراف و بیابان اطراف او متصل ۴ تم با آن مقبره است

در سال بانیان آن قرار گذاشته و در حوالی آن جنگلی که مشهور است میگویند این نقطه در زمان خان مجدداً خیمه

ترکمانان ابنام و غیره اسب و دواب آنجا است وقت ظهر حرکت ولله منزل ده حسن ساوقات ولله در اینجا منزل مخرف گردید

زندگانی ستاره است تپه ان کوهی بیسط نظام شهزاده فرزند و به کنار سنگینه ریزه حشمه ده سرابیانی نادری است در کنار رشته

آب کمی هم دارد — پنجشنبه پنجم حرکت ولله اول آفتاب طلوع آفتاب

حرکت نمودیم منزل آب جلیس آباد است خط راه بطرف جنوب بیشتر دارد و مسافت شش فرسنگ است رودخانه

دارد و در سلامت از جهت در صبح جاهای زیاد منزل از طرف منزل تعداد جهت سنجقه جلیس آباد دیده شد که هزار

هرات امروز فاصله کم در سمت راست است دو تم راه در اراضی بازمستعد را جهت و آلکی چمنزار است بهار کاه منزل بود

قلعه و آلکی راه منحصر به قلعه جلیس آباد و کاروانسرای است در سمت راست در فرسنگ جلیس آباد در کنار شاهراه هرات

در شاه عباس ماضی انار الله برهانه احداث کرده است در سلطان آباد زیارتگاه شده و کهنه و الله اعلم احوال که گفته
یوسف خان سرتیپ بوالفاخر را که در مجلس آقا مقیم است که خارج منزل ما بر بستیفای مرکب الله آباد و مرکب والا ... اعلی
... وقت ظهر منزل ... و در این منزل ... میرزا ... خان حاکم با این خلاف ... درویش ... حاکم ... الا خوان
... و برای بعضی ... که ... دروی ... والله ... مجلس آقا ... یوسف خان سرتیپ ... وقعه ... حاکم ... حصار
و یک خندق بر آن محیط و در کمال آبادی است و این قلعه از قلعه‌های ... است

جمعه ششم مرکب والا ... ساعت ... گذشته حرکت نموده سرای ... تا ... است ... سالک ... دوم ...
جنوب و شرق و ... از منزل بطرف جنوب ... مغرب ... و ... قریه ... آب ...
نهرهای قلعه کاریز ... است که در این راه ... متعلق ... و ...
... شهر ... هرات ... از ... راه تقاطع کرده بطرف چپ ... قریه ... کاریز ...
آبادی‌های ... است ... آب ... است که در ... قلعه کاریز ... که ... آن ...
... آن ... و ... است ... قلعه کاریز ... ملک ...
قریه ... معتبر است و ... راه و درست ... مطلقا نیست از این قلعه کاریز ... قلعه ...
و هرات ... فرسخ و ... هرات ... فرسخ است و این قلعه ... مرحوم ... میرزا ... شجاع السلطنه ...
و ذوالفقار خان سردار و ... است که در زمان سلطنت ... مغفور ... برهانه ... فتح خان ...
در آن جنگ ... فتح خان در ... قلعه بود ... و قلعه جنگ ... است ... فتح خان در ...

شده

... خود بود و در این جنگ بود که ... مغفور ... در خواب ... که ذوالفقار خان ... رفت ... است
کدورت و تشویش خاطر ... شاه ... که ... از معبران ... این خواب ... زیرا که ...
ذوالفقار حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام ... که هر وقت ... و ...
هم نام آن است ... در عالم رؤیا ... است که ... است ... مبارک ... کرده است ...
خواهد بود این تعبیر کدورت و تشویش خاطر آن ... زایل کرده ... تاریخ خواب ... شده ...
... و ... فتح ... در تاریخ ... وقت ... که خاقان مغفور ...
... این فتح ... مرکب والا ... منزل ... قلعه ...
... است ... هم ... و ... خارج ... آن ... مزار ...
و از ... صاحب ... است و ... است ...
... آب ... مرحوم در ... و ... است ...
و این عمارات در زمان سلطنت شاهرخ شاه تیموری ... است و ... از سنگ سیاه ...
... مرحوم ... که ... است ...
... آن ... فیروزه ... بسم الله ... سوره کهف ...
فی الکهف ... کلمات ... العظیم ...
رساله الکریم کتبه العبد الاحقر ... ابن ... ابن ... ابن ...

رقم باینوجه است الحمد لله علی ما وهب لنا الجنة الابرار والصلوة علی حبیبه احمد المحمود وآله الانجاب وعلی من

المنجی من الکشف الیقین ... الحجة ... الدین ... الاسلام ... الزاهد والولی

القمة ... الحق والشریعة والتقوی والدین اعلی الله درجته فی اعلی علیین فاسس هذه البقعة الشریفة فی ایام دولة

الخلیفة الاعظم الخاقان ... وفرزانه ... العدل ... السلطان ... ابو الغازی سلطان حسین بهادر خان خلد الله سلطانه

بسعی واهتمام ... ابو ... احمد بن ... محمد الخوافی در روی ... ایوان ...

در و شکل مربع ... رقم ... شکل مربع ... راست

... هذه العمارة المبارکة الشریفة فی ایام ... السلطنة السلطان الاعظم والخاقان المعظم

سلطان السلاطین العرب والعجم ... سلطان حسین ... خلد الله تعالی ... سلطنته وخلافته ... امره ... نه

شکل مربع ... چپ ... الفرقان ... ارکان ... عظمته ... الملوک

بسعی العبد الضعیف النحیف احوج خلق الله ... تعالی الی رحمة ربه المجید الغنی ... احمد بن ...

محمد الخوافی احسن الله ... احواله فی سنه ثمان واربعین وثمانمائة ۸۴۸ در ... کتابه ...

... در ... شیخ الاسلام سلطان المشایخ ... قطب الاقطاب

الملة والحق ... عبارت ... در ... جانب ...

لا اله الا الله محمد رسول الله ... در ... ایوان ...

رقم ... طرف راست ... طرف چپ ... الآخر ...

در این

در سنگ ... این ... حجاری ... شیخ ... در ...

... شاه ... مقام ... امیر ... شاه ... علیم ...

در ... مقام ... شیخ زین الدین ... محمد ... در ...

... در سنگ ... که در پایین ... شیخ ... بتعلیق ...

... که در جوار شیخ ... است ... حجاری ... سنگ ... است

... قطعه ... دعوة الحق ... قطب ... رحمة الله ... المغفور الرحیم

... الصاحب الاعظم المغفور ... الوزراء ... القلم ...

اشراف العجم ... رحمة الله ... خواجه زین الملة والدین محمود ... الصاحب

... الاعلی ... خواجه ... الحق والدین ... الخوافی ... احواله ...

در سنگ ... دیگر ... در ... این کلمات ... است ... الباقی

وفات المرحوم المغفور ... الی جوار الملک ... قطب الملة والدین ...

مغفرت پناه خواجه ... فی شهر ربیع الآخر سنه خمس وثمانین وثمانمائة ...

...

سنه ... ساعت ... است ... که خوانند

... شیخ زین الدین ... که ...

دو قریه رزه است خواجه سلار تا یک فرسخ سمت مغرب مایل بجنوب و بیرون از ان تا منزل از روی مغرب
و شمال بهم آلوده دارد و مسافت چهار فرسخ است آب جاری در سلامت است زراعت و دیمی نبود جز در نقطهٔ
منزل تمام سلامتی جنگل ولایتی آن بارز است و علف و خار زیاد دارد و نهارگاه امروز منزل بود لنگر سمت راست
منتهی مرداب آب انبار است که اتفاقاً نیم فرسخ از کنگره قره تپه در سلامت ساخته اند آب انبار اول خراب و بی آب
دومی آب دارد و لنگر سمت چپ اول فرسخ ده آباد ملک رضا در نقطهٔ تا بیرون از سلامت درست است دیم بستم
مشهدی ریزه و دو ریزه است که امده که آن دو صاحب جنگلها و آبی همه هم نزدیک است و دو کرس ساعت و دقیقه ظهر منزل
وارد [illegible] در اول [illegible] جمعی از [illegible] بزرگ که [illegible] دیگر از [illegible] خرابه زراعت و دهات مردم [illegible]
نواب مستطاب والا وقت حضرت [illegible] افغانستان که باتفاق سردار محمد ایوب خان از افغانستان [illegible] آمده
و در مشهدی ریزه توقف کرده است جهت [illegible] هدایت و [illegible] حرکت او را مختار تا از مشهدی ریزه به مشهد [illegible]
بیکی از شهرها و قصبات یا دهات دیگر [illegible] از سر حد هرات دور باشد هر جای [illegible] و [illegible]
عالی عالم [illegible] است اظهار [illegible] در این [illegible] نمود و [illegible] آمده نواب مستطاب والا [illegible]
اوردار [illegible] بالاخره قرار شد نقطهٔ که از سر حد هرات دور باشد [illegible] معین کنند و در [illegible]
اختیار [illegible] مشهدی ریزه و دو ریزه [illegible] آباد [illegible] نزدیک [illegible] است زراعت و [illegible] زیاد دارد و [illegible]
هم در این ده خوب [illegible] رعایا است
پنجشنبه ۸ [illegible] ساعت از روز گذشته موکب والا حرکت نمود منزل [illegible] آباد است خواجه سلار تا [illegible]

بطرف شمال مایل بمغرب بیرون از ان تا منزل میان شمال و مغرب بهم آلوده دارد و مسافت شش فرسخ است
آب جاری متعلق برباط و مزارع دو سه جا است زراعت نیز متعلق بقریه [illegible] و نهر [illegible] از [illegible]
بارز است نهارگاه امروز در مزرعه [illegible] که در نصف سلامت واقع است بود دهات سمت راست اول نهر [illegible] ملک رضا
دوم نهر کهنه ملک شاه [illegible] قلعه نوبهار ملک [illegible] چهارم [illegible] آباد [illegible] خراب و خالی از سکنه است دهات سمت چپ
منتهی مزرعه [illegible] است که خالی از سکنه و خراب بود [illegible] سیف خان [illegible] میرزا [illegible] آباد است
و بازار [illegible] آباد [illegible] سکنه امروز [illegible] میرزا [illegible] حسین میرزای شجاع السلطنه که برای حکومت [illegible] آباد [illegible]
شده بود [illegible] والا [illegible] ساعت [illegible] مغرب [illegible] منزل [illegible]
[illegible] امروز [illegible] که [illegible] است [illegible] رفته است که معلوم کنند اینها کیستند و از چه [illegible]
همینکه نزدیک آنها رسیده است [illegible] کشته در نقطهٔ [illegible] جهت [illegible] و [illegible] شکسته [illegible]
[illegible] کرده اند نواب مستطاب والا [illegible] گردیده [illegible] کشته [illegible]
در [illegible] وقت [illegible] شناخته شد که [illegible] سیف خان
[illegible] است که چهار ماه قبل [illegible] خان [illegible] که قریب [illegible] از [illegible]
[illegible] کرده [illegible] معلوم شد که [illegible] جزیی برای [illegible] آورده [illegible]
[illegible] کشته اند نواب مستطاب والا حکم فرمودند در چادر جناب [illegible] از [illegible]
تشکیل [illegible] وقت [illegible] تا [illegible] که [illegible] در آن چادر [illegible] ترتیب [illegible] قرار

حملات و یورش را حاضر که هم مستغرق تهیه شده جمعی را تنبیه نموده هر قدر تا آخر شب سعی کردند چیزی معلوم نشد

همه اوراق شب جز نقره و روپیه سیستانی و دهات لوتک را محفوظ داشته تا امر معلوم شود قاتل معین است آخر

هم اینکه رکاب یا از جهات چیزی است که دوسه پیکر و سرخ خطوط دارد و علف زیاد و نی بسیار در جمله ها

در این است بعضی جاها هم اتفاق است

دوشنبه نهم امروز از شب مستطاب والا تحقیق امر مقتولین و تعیین قاتل در حق اینکه رکاب اطراق

نمود اول طلیعه سهام الملک میرزا محمد حسین بیک قائم مقام با جمعی از عمله خلف دیوار ها سیر دائره

را تماشا کرده ... را مأمور نموده و ملک کشته را فرستاد که بر تو ... رو در ... دوازده سیاه بیرون ... از ان مقصود

به زیر ... دانسته ... زار رفته ... از انجا به قلعه ... و کوه های اطراف گردش کرده ... وقت بعضی آنها

چون هم ... زار ... که جمعی ... بیم ... یافت ... جمعی ... دیگر برای بی نور یاد دهات

لوتک ... اطراف را تفتیش و تحقیق آنچه را نهان ... شده و ... بازگشتیم اطراف

را سرپرست آوردن و معلوم ... قاتل ... و حافظ ... امروز نیز در ... جمعی ... دایره ... بود ...

امروز نیز تمام امری ... و ... معلوم شده ... لطفعلی ... حاکم ... خواف ... و ... حاکم ... حاکم

در منزل محمد آباد ... از ... امروز ... گردیده ... رسید

سه شنبه دهم امروز قبل از حرکت یک ساعتی زمستانی خلعت حکومت زور آباد و ... میرزا

دلو ... ساعت ... با تمام ... و ... زور آباد ...

دروازه ... حرکت نموده ... و ساعت ... از ... گذشته ... حرکت ... منزل ... آباد است ...

فیمابین شمال و مغرب ... سه فرسخ است ... که از چشمه های ... سیستان ...

همه جا در سمت راست راه ... رود ... و در ... جمیع چشمه است معروف بچشمه ...

آب از یک نقطه زمین ... تمام ... امروز ... دهات اطراف ...

به همراه ... منزل ... دهات سمت راست ... قلعه ... ملک ... دوم قلعه ... ملک ...

قلعه ... ملک ... چهارم ... قلعه ... پنجم قلعه ... ملک محمد ... ششم ... ملک ...

... ملک ... هفتم ... ملک ... نهم قلعه ... ملک ... تمام این دهات ... راه است ...

... اول ... یک فرسخ از ... ملک ... چهارم ... ملک ...

از ... سوم ... ملک ... از ... امروز ... حسین ... قائم مقام ... زمستانی ...

... ملکه ... رودبار ... خلعت ... تحقیق ... اول

... از ... برای ... آباد ... و آخر ...

ملک ... انتهای ... است

چهارشنبه یازدهم ... حرکت ... ساعت ... گذشته حرکت نموده منزل ... قلعه ... است ... فیما

بین شمال و مغرب ... منزل طرف مغرب ... و مسافت پنج فرسخ است ...

... از ... منزل ... امروز ... های ...

و غار بسیار عمیقی هم دارد و همه تربت نهارگاه و منزل اردو [illegible] تربت منحصر بمزرعه کاه و متعلق بحاجی قلعه کاهش

نزدیک رباط است [illegible] سمت جنوب منحصر بمقبره ایست که با عمده [illegible] دارد و نزدیک قلعه کاهش است اهالی را اعتقاد

آن است که مقبره آصف ابن برخیا وزیر حضرت سلیمان است وقت ظهر موکب همایون بمنزل ورود نمود در این منزل

اردو در آنجا خبر رسید که دولت [illegible] ترکمان [illegible] ترکمان [illegible] که بسمت خواف

گذشته اند و این خبر در اردو شهرت [illegible] که با این منزل [illegible] است [illegible] رسید [illegible] و

[illegible] که [illegible] بسمت خواف رفته

[illegible] روانه [illegible] قلعه کاهش [illegible] دهات [illegible] رباط است [illegible] زیاد دارد

هم در اینجا [illegible] می آید [illegible] تربت حیدریه است

پنجشنبه دوازدهم موکب همایون ساعت [illegible] اردو گذشته حرکت نمود منزل [illegible] آلا [illegible] فرسخ

سمت [illegible] منزل فیمابین مغرب و شمال [illegible] فرسخ است

آب [illegible] مشتمل بر رباطات [illegible] در [illegible] نهارگاه منزل [illegible] — در چند جا است [illegible] راه مشتمل بر رباطات [illegible]

دهات [illegible] قلعه [illegible] میرزا [illegible] فرسخ [illegible] بالا [illegible]

و فرسخ [illegible] که زیارت [illegible] دارد [illegible] سلطان سلیمان [illegible]

حضرت [illegible] الرضا علیه السلام است چهارم [illegible] فرسخ [illegible]

نزدیک [illegible] فرسخ [illegible]

این قریه کهنه اردو [illegible] خراب شده [illegible] آن [illegible] جنرال [illegible] نموده اند در [illegible]

[illegible] آنجا [illegible] نزدیک [illegible] نزدیک [illegible]

سمت جنوب [illegible] قریه [illegible] میرزا [illegible] نزدیک [illegible] فرسخ [illegible]

قلعه [illegible] نزدیک [illegible] قلعه کاهش [illegible] چهارم [illegible] فرسخ [illegible]

[illegible] منزل [illegible] فرسخ [illegible] است [illegible]

در اینجا خوب [illegible] می آید — جمعه سیزدهم موکب همایون [illegible] گذشته

حرکت نمود منزل [illegible] تربت حیدریه است [illegible] فیمابین مغرب و شمال [illegible] دارد و [illegible] فرسخ

آب [illegible] دهات اطراف [illegible] رباط [illegible] مشتمل بر رباطات [illegible]

در [illegible] نهارگاه منزل [illegible] دهات سمت راست [illegible] رباط [illegible] قلعه [illegible]

[illegible] آن در [illegible] قلعه [illegible]

آن هم که [illegible] معتبر است [illegible] نزدیک [illegible]

[illegible] فرسخ [illegible] چهارم [illegible] نزدیک [illegible] فرسخ

[illegible] فرسخ [illegible] آب [illegible]

[illegible] نزدیک [illegible] فرسخ [illegible] فرسخ [illegible] فرسخ [illegible]

[illegible] تربت نزدیک [illegible] فرسخ [illegible] دهات سمت چپ [illegible]

[illegible] فرسخ [illegible] فرسخ [illegible] فرسخ

یک ربع و نیم آنجا است که بینه این قریه وقتی حاکم نشین بوک زاده بوده است و هم کلاته نخجی یک ربع و نیم فرسخ و در سیم

سر آباد یک ربع و نیم فرسخ و در چهارم جار آباد یک ثمن [illegible] نقی آباد در فرسخ قرخ و ربع و نیم فرسخ و در پنجم سه بنک یک ربع

یک فرسخ و در ششم کلاته زنگنه یک ثمن خان بر راه فیض آباد و هیچ [illegible] فرسخ و در هفتم تنگ [illegible] باشد

یک ربع متصل به راه هشتم قلعه نو یک ربع متصل به راه نهم نصر آباد یک [illegible] کاظم در ربع متصل به راه دهم [illegible]

یک ربع و دو [illegible] فاصله از کنه است ربعی حسن آباد از [illegible] یک راه یازدهم حسن آباد یک ربع و دو [illegible] یک راه

دوازدهم [illegible] آباد یک ربع متصل به راه سیزدهم [illegible] یک [illegible] حسن [illegible] فرسخ و در چهاردهم [illegible] یک ربع

متصل به راه پانزدهم [illegible] یک ربع متصل به راه شانزدهم [illegible] یک ربع [illegible] راه هفدهم [illegible] یک ربع [illegible] راه

یک فرسخ نهر تربت [illegible] آب انباری برای [illegible] ساخته اند و ارزنست و آبی در [illegible] دارد

دیگر نهر [illegible] حاجی محمد میرزا [illegible] میرزا [illegible] مرحوم حسنعلی میرزای شجاع السلطنه که حاکم تربت حیدریه است

باستقلال [illegible] والله [illegible] در خارج تربت نصب شده [illegible]

تربت حیدریه یکی از نهرهای حاکم نشین [illegible] و معروف است هوای خوب و آب بسیار [illegible]

و عمارت [illegible] و باغهای زیاد [illegible] دارد و [illegible] آن معروف است

شنبه چهاردهم — امروز [illegible] که قریب یک ماه [illegible] است [illegible]

در جهت [illegible] نواب مستطاب والا در تربت حیدریه [illegible]

[illegible] والا [illegible] مرحوم [illegible] است [illegible] در تربت حیدریه [illegible] دارد

[illegible]

بحضور والا آمد نواب مستطاب والا [illegible] احترام [illegible] والا در منزل [illegible]

[illegible] و [illegible] حکم [illegible] مزار قطب الدین حیدر [illegible]

رفت این مقبره در خارج قلعه تربت حیدریه [illegible] ایوان [illegible] صحن

[illegible] دارد [illegible] در [illegible] قرار [illegible] که [illegible]

[illegible] این مقبره [illegible] که دارای ایوان [illegible] صحن است ساخته شده

عمارت [illegible] مقبره [illegible] در وسط صحن [illegible] آب انباری [illegible] ساخته [illegible]

[illegible] است [illegible] امتیازی در [illegible] در [illegible] ندارد [illegible] کاشی کاری [illegible] مقبره [illegible]

از اول بنا [illegible] که میان ایوان [illegible] نصب شده است این کلمات [illegible] است

در ایام ازل [illegible] پادشاه [illegible] سید المرسلین [illegible]

ابو المظفر شاه عباس الصفوی الموسوی الحسینی خلد الله ملکه و سلطانه [illegible] مزار [illegible] قطب الاقطاب

فی العالم [illegible] الائمه المعصومین امیر المؤمنین حیدر صلوات الله و سلامه علیه مشرف شد [illegible]

[illegible] ۱۰۲۳ [illegible] مقبره که [illegible]

[illegible] لا اله الا الله [illegible] محمد رسول الله [illegible]

[illegible] تربت [illegible] قطب الدین [illegible] ۱۲۱۲ [illegible]

بعضی [illegible] که میان [illegible] نصب کرده اند [illegible] امتیازی ندارد

و سر قول هم از معارف نیست تاریخ آن ها یکبار از ری برف ۱۰۳۸ دیگر بار از دهقلا دیگ ۱۰۸۱ دیگر بار از [illegible] ۱۰۸۱

دیگر بار از تبصیره و یا لعم ۱۱۱۱ و دیگر بار از تبصیره و انفعم ۱۱۲۲ منظر رسیده در سنگ تاریخ آب انبار وسط صحن مسجد است و حاله این سنگ را

از آب انبار کنده بیان ایوان مقبره گذارده اند این کلمات حجاری شده است اللهم صل علی النبی

والوصی والبتول والسبطین والسجاد والباقر والصادق والکاظم والرضا والتقی والنقی والعسکری والمهدی .

الهادی صاحب الزمان در زمان دولت السلطان ابن السلطان ابن السلطان شاه سلطان محمد ابن السلطان

العادل الخاقان العادل المرحوم المبرور المغفور سلطان شاه جناب الحسنی الصفوی بهادر خان رحمه الله تمام شد

ذی الحجه ۲ جمع خواهد ملک بر در خورشید ضمیر حوض بصفا ساخت به از زیر فلک ارژنگ

تاریخ بنا پرسیدم گفت آب ازو برکه کوثر گیر ۹۵۵ امروز که شب برداری کشتی نمونه کلاه توران حجه

حشمه الملک فرستاده شد و حاجی کاظم خان بنابر [illegible] برداری ترسه ارابه منع کردید

یکشنبه یازدهم امروز قبل از حرکت حاجی محمد میرزا حاکم تربت برداری ترسه کشتی و حاجی مظفر خان

میر عباس خان برتیب فوج قراباغ برداری ترسه ارابه منع کردید و مرکب الله در ساعت از روز گذشته حرکت نموده

منزل آب حیدریه [illegible] قریتین کلاته قاضی دهستان است

خط سالطرف شمال سمت [illegible] است در سالها آب [illegible] رباط اطراف [illegible] بسیار است

در وسعت زیاد [illegible] رباط [illegible] نصف راه [illegible] بنصف دیگر زمین [illegible] راه

راه دیگر هست که از تربت حیدریه [illegible] دو منزل [illegible] شاهرود تربت [illegible]

[illegible]

آن است که فوج تونیک [illegible] سالار واسطه [illegible] لشکر [illegible] اختیار [illegible] کامه

در کنار [illegible] یک فوج [illegible] منزل [illegible] سمت راست [illegible] ملک رضا [illegible]

[illegible] ملک رضا [illegible] فوج [illegible] چهارم [illegible] ملک رضا [illegible] فوج [illegible] ملک رضا

[illegible] فوج [illegible] قلعه محمود آباد ملک حاجی محمود [illegible] فوج

[illegible] ملک رضا [illegible] ملک رضا [illegible] فوج [illegible] سمت [illegible]

ملک رضا [illegible] ملک میرزا محمد علی مستوفی تربت [illegible] ملک رضا [illegible]

[illegible] فوج [illegible] چهارم [illegible] ملک محمد خان [illegible] فوج [illegible] ملک رضا [illegible]

[illegible] ملک رضا [illegible] فوج [illegible] ملک حاجی [illegible] ملک رضا

[illegible] فوج [illegible] ملک محمد خان [illegible] ملک رضا [illegible] فوج [illegible]

[illegible] آب انبار [illegible] ساخته [illegible] فوج منزل [illegible]

[illegible] ساخته [illegible] آن شاه عباس است [illegible] منزل [illegible]

[illegible] معروف [illegible] مرکب [illegible] فوج [illegible] منزل [illegible]

دهستان [illegible] ملک رضا [illegible] قریه اول [illegible] از [illegible] تربت حیدریه است

[illegible] مرکب والله در ساعت از روز گذشته حرکت نمود منزل [illegible]

[illegible] قریه [illegible] خط سالطرف [illegible] فرسنگ است [illegible]

متعلق برباط چشمه سار در راه بسیار است زراعت متعلق به رباط قدری در [illegible] است تا اراضی [illegible] است

چهار فرسخ از [illegible] در جلگه ده فرسخ [illegible] که [illegible] دارد [illegible] امروز [illegible] [illegible] رباط چشمه است

نهارگاه امروز در [illegible] فرسخ [illegible] آبادی های سمت راست اول [illegible] ملک رعایا نیم فرسخ [illegible] در دوم

ده آباد ملک رعایا نیم فرسخ در سیم [illegible] ملک رعایا نیم فرسخ در چهارم [illegible] ملک رعایا یک فرسخ در پنجم [illegible] ملک

[illegible] یک فرسخ نیم در ششم [illegible] ملک حاجی محمد عبدالله کاشانی یک فرسخ نیم در هفتم [illegible] ملک

حاجی [illegible] عبدالله کاشانی یک فرسخ نیم در هشتم [illegible] آباد ملک [illegible] مرحوم [illegible] متصل به راه

نهم قلعه کوهی ملک [illegible] یک فرسخ در آبادی های سمت چپ اول قلعه [illegible] ملک رعایا متصل به راه در دوم

[illegible] ملک رعایا یک فرسخ در سیم [illegible] ملک حاجی محمد [illegible] یک فرسخ نیم در چهارم [illegible]

رعایا یک فرسخ نیم در پنجم [illegible] ملک [illegible] سلطان [illegible] یک فرسخ نیم در ششم [illegible] ملک [illegible] یک فرسخ نیم

هفتم [illegible] ملک [illegible] از منزل گذشته آب [illegible] است

دو فرسخ از منزل گذشته [illegible] در کنار راه است [illegible] است و بنای آن معلوم نیست یک فرسخ [illegible]

[illegible] چشمه ای است معروف به چشمه [illegible] که [illegible] خط [illegible] در [illegible] منزل

[illegible] قلعه دختر [illegible] که [illegible] قلعه [illegible] در [illegible]

معلوم نیست [illegible] که [illegible] است [illegible] از قطع مسافت چهار ساعت [illegible]

[illegible] آب [illegible] است [illegible] آخر [illegible]

[illegible]

ششم سلطان آباد ملک
رعایا یک فرسخ نیم [illegible]

در [illegible] دارد منزل گاه [illegible] بنای آن [illegible] سلطان [illegible] در [illegible] آن [illegible] محمد [illegible] حسین [illegible]

در دوران سلطنت شاه طهماسب صفوی انارالله برهانه بنا نهاده است سنه سبع و ستین و تسعمایه ۹۶

سه شنبه هفدهم [illegible] از منزل [illegible] حاجی [illegible] مرحوم [illegible] که [illegible]

[illegible] است [illegible] الله [illegible] ساعت [illegible] حرکت [illegible] منزل

[illegible] خط [illegible] فرسخ [illegible] مشرق [illegible] منزل [illegible] طرف مشرق [illegible] مسافت چهار فرسخ

[illegible] متعلق به رباط اطراف چشمه سار است زراعت متعلق به رباط قدری [illegible] اراضی [illegible]

[illegible] زراعت [illegible] است [illegible] فرسخ [illegible] که آخر [illegible] زراعت [illegible] یک فرسخ [illegible] در جلگه [illegible]

[illegible] امروز [illegible] نهارگاه امروز [illegible] های سمت راست اول [illegible] قلعه [illegible]

[illegible] قلعه [illegible] فرسخ [illegible] ملک رعایا نیم فرسخ از [illegible] در [illegible]

نیم فرسخ از [illegible] در [illegible] سمت چپ [illegible] قلعه [illegible] قلعه [illegible]

[illegible] که [illegible] آن معلوم نیست که [illegible] است [illegible] منزل [illegible]

[illegible] است [illegible] که [illegible] است

چهارشنبه هجدهم [illegible] ساعت [illegible] از دسته گذشته حرکت [illegible] منزل [illegible] خط [illegible]

[illegible] مشرق [illegible] مسافت [illegible] فرسخ است آب [illegible] متعلق به رباط اطراف [illegible]

[illegible] زراعت [illegible] اراضی [illegible] است [illegible] فرسخ نیم [illegible] منزل [illegible]

و در اطراف مشهد و دیگر [illegible] طرف شاهراه دارالخلافه این سالها شغلی میکرد و نهارگاه امروز در منزل [illegible] بود
و دهات سمت راست [illegible] امیر آقا ملک ربع [illegible] فرزند ملک ربع [illegible] چهارم [illegible] ملک
برادرزاده های جناب [illegible] خمس [illegible] ملک حاجی نظر علی صبیه [illegible] آقا ملک
[illegible] آقا ملک [illegible] آقا ملک [illegible]
[illegible] آستانه مقدسه [illegible] جناب [illegible] آقا ملک [illegible]
[illegible] و تمام این دهات [illegible] که [illegible] یک فرسخ از سلام [illegible]
[illegible] سمت چپ [illegible] مزرعه [illegible] که در کنار جاده دارالخلافه
واقع است ملک ربع [illegible] ملک ربع چهارم [illegible] حاجی نظر علی صبیه [illegible] ملک
حاجی نظر علی صبیه الاعلم و تمام این دهات [illegible] از سلام [illegible] منزل [illegible] میرزای [illegible]
[illegible] خلعت [illegible] و حاجی [illegible] میرزا [illegible] خان [illegible] استقبال
مرکب [illegible] الله [illegible] ساعت از [illegible] گذشته [illegible] طرف [illegible] الدوله [illegible]
[illegible] میرزا [illegible] میرزا [illegible] خان [illegible] حاجی
ابوالفتح خان [illegible] میرزا [illegible] حاجی ابوالقاسم [illegible] میرزا حسین [illegible] آستانه مقدسه
از شهر باستقبال آمده [illegible] حضور [illegible] آستانه مبارکه است

پنجشنبه [illegible] شعبان امروز [illegible] آستانه مقدسه از شهر باستقبال آمده

حضور [illegible] رسیدند و [illegible] الله [illegible] ساعت از دسته گذشته حرکت نمودم امروز روز ورود به مشهد مقدس [illegible] است
خراسان [illegible] مغرب [illegible] فرسنگ [illegible] نهر آب [illegible] طرف [illegible] از طرف
تا شهر مشهد [illegible] طرف [illegible] و تمام [illegible] است
نهارگاه امروز مشهد مقدس [illegible] سمت راست [illegible] اولاد مرحوم امام جمعه [illegible]
[illegible] سمت چپ [illegible] از سلام [illegible] امروز [illegible]
[illegible] که [illegible] و [illegible] استقبال [illegible]
[illegible] الله [illegible] آنها [illegible]
[illegible] فرسخ [illegible] خان [illegible] باستقبال [illegible]
[illegible] و [illegible] مرتب [illegible] سمت [illegible] خان [illegible]
[illegible] اول [illegible] خان [illegible] شهر [illegible]
استقبال [illegible] احترامات [illegible] شهر [illegible] جمعیت [illegible] از شهر خارج شده
باستقبال آمده [illegible] ساعت از [illegible] گذشته [illegible]
[illegible] شهر مشهد مقدس [illegible] آستانه مبارکه [illegible] ایوان [illegible] شده [illegible]
[illegible] الله [illegible] خطبه [illegible] حضور [illegible] الله [illegible]
[illegible] الله [illegible] حضرت [illegible] علیه [illegible] التحیه و الثنا [illegible]

از زیارت روضه منوره کعبه شرف و سعادت تا نجف مبارک که در دارالخلافه ... تشریف ... بعد این سفر ... اثر

اختتام یافت

۳۴

[illegible]

٣٤٦